



امواج آلوده  
رصد و تحلیل موضوعی شبها  
شماره ۹ بهمن ماه ۱۴۰۱

روحانیت

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبها  
(حوزه‌های علمیه)

## مقدمه

نخبگان حوزه های علمیه و فرهیختگان بصیر جامعه، تبیین معارف اسلام ناب محمدی و آگاه سازی جامعه را تکلیف الهی، انسانی و انقلابی خویش می دانند و در این زمینه، رصد فضای فکری، اجتماعی و تبلیغی، شناسایی شبهات، به منظور حضور بهنگام، سریع و قوی در مواجهه با آن ضرورت دارد تا زنگار شبهه از ذهن و روان همگان زدوده شود و بر سلامت جامعه افزوده شود.

«امواج آلوده» تلاش می کند به صورت ماهانه و در قالب پرونده های موضوعی، مهم ترین شبهات مطرح در فضای فکری جامعه را به همراه عناصر مهم تحلیلی، پاسخ اجمالی، منابع مطالعه و ایده هایی برای مقابله ارائه نماید.

در این شماره مهم ترین شبهات و پاسخ های اجمالی آن درباره روحانیت تهیه و تنظیم شده است.

گروه شبهه شناسی  
مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات

## فهرست

- جدایی دین از روحانیت / ۴
- القاب روحانیت و کارکردهای آن به روایت شریعتی و دیگران / ۱۴
- چهار اتهام به روحانیت شیعه / ۲۱
- آیا لباس روحانیت مقدس است؟ / ۲۵
- سرمایه فکری از نظر روحانیت / ۲۹
- روحانیت شیعه پیش و پس از جمهوری اسلامی / ۳۳
- روحانیت و مسأله آزادی خواهی / ۴۱
- روحانیت و انکار تاریخ و هویت ایرانی / ۴۵
- آیا علم دینی وجود دارد! / ۵۰
- روحانیت سنجه رشد فرهنگی جامعه است / ۵۵
- بازدارندگی و گذشته گرایی روحانیت / ۶۴

## جدایی دین از روحانیت

**موضوع عام:** روحانیت

**موضوع خاص:** کارکرد روحانیت

**نام شبهه کننده:** محمد شوری (نویسنده و روزنامه نگار)

**منبع انتشار شبهه:** سایت تریبون زمانه

[www.tribunezamaneh.com/?tztc=1](http://www.tribunezamaneh.com/?tztc=1)

**هدف‌های احتمالی:** ترویج اسلام منهای روحانیت، اعتبارزدایی از قرائت روحانیت از دین، ترویج دین شخصی.

**نمایه‌ها:** روحانیت، اسلام، دین، انحصارگرایی در قرائت دین، قرائت رسمی از اسلام.

شناسه شبهه

### متن شبهه

۱. انحصار دین توسط روحانیت، دین انحصاری تولید کرده و روحانیت انحصارطلب، محصول دین انحصاری است. طبق آیه ۱۲۲ سوره توبه: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ.» فهم دین، عمومی است؛ اما روحانیت آن را خصوصی و ملک خود کرده است!

۲. برای معالجه نزد هرپزشک متخصص که بخواهیم، می‌رویم؛ تفاوتی ندارد مرد باشد یا زن؛ ایرانی باشد یا غیرایرانی؛ مسلمان باشد یا غیرمسلمان؛ و براساس شناخت، آن‌ها را تغییر می‌دهیم. در فهم دین نیز همین را می‌شود، تعمیم داد. دین‌شناسی در انحصار هیچکس نیست!

۳. روحانیت یک صنف است که دین می‌فروشد و در جمهوری اسلامی ایران به صورت طبقه ممتاز و ویژه در آمده است. اما دین کالا نیست!

۴. به علت قرائت‌های مختلف از دین، حکومت دینی

- باعث تنازع و اختلاف می‌شود!
۵. روحانیت می‌تواند همچون دیگر گروه‌ها، حزب دینی تشکیل دهد و چنانچه در انتخابات برنده شد، برنامه خود را اجرایی کند.
۶. استنباط عقلی در فهم دین (اسلام) به همراه کتاب، سنت و اجماع آمده است. کتاب، سنت و اجماع ثابت و غیرقابل تغییر است؛ ولی عقل بشری در تحول زمان، کشف‌های بی‌شماری می‌کند. درک عقلی از دین در حوزه‌های علمیه کم‌رنگ است و همین آفت دین و روحانیت است.
۷. دانشجویان غیرعلوم دینی برای کسب معرفت و دانش از سرمایه خود خرج می‌کنند. طلاب علوم دینی برای فهم دین پول و شهریه می‌گیرند. این تفاوت به اختلاف فاحش در تدبیر می‌رسد.
۸. منبع معیشت روحانیت آرا و فتاوی‌ آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. روحانیت بدلیل ارتزاق از حکومت و افراد متمول، حریت خود را از دست داده است.
۹. دین هم اسم عام است و هم خاص، دین به معنای عام، همان نیاز آدمی به معنویت، پایبندی به اخلاق، انجام عمل صالح و پرهیز از فعل نادرست است. دین خاص مثل: مسیحیت، یهود و اسلام.
۱۰. مشکل دین، متولی آن (روحانیت) است. بدون متولی رسمی، بین ادیان وحدت حادث می‌شود، چه رسید بین مسلمان‌ها!
۱۱. یک حکومت سکولار وقتی مبتنی بر آزادی آدمی در حق انتخاب و رعایت حقوق انسانی، بر مبنای اخلاق و عدالت عام باشد، حکومت، دیندار است.
۱۲. در آیه «وما محمد الا... و خاتم النبیین»: (۴۰)، احزاب (، خاتم به معنای نگین انگشتر است؛ پس شاید وقتی دیگر پیامبرانی که از نو باید شناخت؛ پیامبرانی که لزوماً از جنس آدمی نیست. آن پیامبرانی که ظهور کرده و مسیر تکاملی خود را طی می‌کنند، عقل و تکنولوژی است.
- «وَالْعَصْرِ»

و این خود معنایی دیگر از آیه ی (۴۷) یونس هم است:

«لِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ»

روحانیون در اسلام (بخصوص روحانیت شیعی) با قرنطینه کردن عوام و به انحصار درآوردن دین، کالای تک محصولی و جزمی خود را تحمیل می‌کنند!

## پیشنهاد ها

### ■ پاسخ اجمالی:

۱. روحانیت، یک حزب یا طبقه اجتماعی نیست؛ بلکه یک صنف، یعنی مجموعه افرادی است که برای تحقق هدف مشترک، یعنی فهم، تبلیغ و اقامه دین در جامعه تلاش می‌کنند. بنابراین چیزی به نام «روحانیت» وجود خارجی ندارد؛ همچنانکه چیزی به نام «پزشکیت» وجود ندارد. آنچه وجود دارد، «روحانیان» و «سازمان روحانیان» است. پیوستن به این سازمان اجتماعی برای همه افرادی که واجد صلاحیت‌های اولیه (سواد به قدر کافی، سلامت جسمی و روحی، انگیزه‌های سالم، حسن سابقه و غیره) باشند، آزاد و هیچگونه انحصاری وجود ندارد. آری! فهم، تبلیغ و اقامه دین، مانند همه رشته‌های علمی و کاربردی، مبانی، اصول، روش و هنجارهای خاصی دارد که فرد روحانی باید به آن ملتزم باشد. مضاف بر اینکه واژه روحانی هم، واژه اصیلی نیست. در فرهنگ اسلامی برای اشاره به روحانیان از واژگان عالم، فقیه، معلم، مدرس، متفقه، ... استفاده شده است.

۲. تلاش برای فهم دین و بیان نظر و اندیشه برای همه انسان‌ها، اعم از باصلاحیت و بی‌صلاحیت، آزاد است، اما تبلیغ نظرات غیرروشمند و فاقد اعتبار تخصصی و برهم زدن رویه‌های نظم‌بخش جامعه، در هر موضوع علمی و کاربردی و در همه کشورها ممنوع است. آیه «تفقه» صریحا اشاره کرده که ورود به امر «تفقه در دین» برای همه افراد آزاد است، اما فقط «متفقهان» می‌توانند، جامعه را انذار کنند! درست مانند اینکه بگوییم «ورود به

حرفه پزشکی برای همه افراد آزاد است، اما فقط پزشکان می‌توانند طبابت کنند!»

۳. میان فهم دین و اجرای احکام اجتماعی دین، تفاوت وجود دارد. فهم دین برای هرکس، اعم از زن و مرد و پیرو جوان آزاد است، اما عهده‌داری مناصب و امور اجتماعی دینی، تنها برای کسانی مجاز است که از شایستگی‌های خاصی، که در همه امور علمی و عملی روال است، برخوردار باشند. تعیین این ویژگی‌های توسط عقل و وحی صورت گرفته است.

۴. آنچه درباره شرایط (اعلم، عادل، مرد، حلال‌زاده، سلامت جسم در حدی که اختلال ایجاد نکند، سلامت روانی، سلامت عقلی و غیره) مجتهدانی که پیروی از آنان جایز است، در فقه بیان شده، تقریباً همان شرایط عقلایی است که انسان‌های عاقل برای رجوع به متخصصان هر علم و فن ملاحظه می‌کنند.

۵. هرکسی عملاً آزاد است برای شناخت معارف و آموزه‌های دین، به هرکسی مراجعه کند، اما اگر عاقل و آگاه بوده و با هدف فهم صادقانه دین، در پی عالمان دینی باشد، حتماً کسی را انتخاب می‌کند که صلاحیت‌های لازم و کافی برای فهم و تفسیر معتبر دین را داشته باشد؛ چنین کسی در همه فنون و حرفه‌ها معمولاً توسط متخصصانی از همان رشته علمی یا فنی یا حرفه‌ای تأیید می‌شود.

۶. استفاده از عقل در فهم دین، در دو سطح انجام می‌گیرد: سطح عام و سطح خاص. در سطح عام، هرنوع تأمل، تفقه، فهم و ادراک، حتی در فهم متون دینی، به واسطه عقل صورت می‌گیرد؛ اساساً فرد غیرعاقل نمی‌تواند گزاره‌های کتاب و سنت را بفهمد. در سطح خاص، استفاده از عقل به دو شیوه استقلالی و غیراستقلالی صورت می‌گیرد؛ گاهی عقل با کمک شرع، معرفت یا آموزه‌ای را می‌فهمد و گاهی به صورت مستقل؛ هر دو صورت در استنباط‌های فقهی، اصولی، تفسیری و اخلاقی دینی وجود دارد.

۷. از آنجا که موضوعات مرتبط با انسان به دو دسته ثابت و متغیر تقسیم می‌شود، معارف و احکام دینی هم به دو دسته ثابت و متغیر تقسیم‌پذیر است؛ احکام ثابت، به موضوعات ثابت و احکام متغیر، به موضوعات متغیر مربوط است؛ مثلاً برخی از مناسبات و اشکال ارتباطی بشر به مرور زمان تغییر کرده، مثل مناسبات اقتصادی؛ ولی بسیاری از مسائل هم بدون تغییر مانده و خواهد ماند؛ مانند ارزش‌های اخلاقی؛ به عنوان مثال ظلم، همواره بد و عدل، همواره خوب است. دین، در فهم ماهیت و تغییرپذیری موضوعات عرفی و تخصصی، از عقل و علم بهره می‌برد و علم در شناخت ارزش‌ها و هدف‌ها، به دین وابسته است.

۸. از آنجا که فراگیری علوم اسلامی و تخصص در آن به دلیل گستردگی و زمانبر بودن، نیازمند صرف مدت زمان طولانی و اشتغال تمام وقت است که فرصت کسب درآمد و امرار معاش را از روحانیون سلب می‌کند، شهریه برای امرار معاش آنها در نظر گرفته شده است تا در سایه تأمین حداقل نیازهای زندگی به تحصیل، تدریس، پژوهش و تبلیغ بپردازند. بر خلاف دانشجویان که نسبت به طلاب حوزه مدت زمان بسیار کمتری را به تحصیل اشتغال دارند و پس از پایان تحصیل خود، مشغول به کار می‌شوند و می‌توانند درآمد مناسبی برای خود به دست آورند.

۹. طلاب و روحانیون در طول مدت عمر خود از همین شهریه برای تأمین زندگی خود استفاده می‌کنند و مقدار شهریه در بالاترین سطح علمی حوزه، مبلغی کمتر از حداقل حقوق کارگران است و بسیاری از طلاب در اداره زندگی و معیشت خود با مشکلات زیادی روبرو هستند و با قناعت و ساده زیستی روزگار می‌گذرانند. ضمن آنکه پرداخت شهریه به طلاب و روحانیون نیز مشروط به تحصیل و اشتغال به علوم حوزوی و دارا نبودن درآمد مناسب است و در صورت جذب طلاب در سازمان‌ها و مؤسسات، شهریه به آنها پرداخت نمی‌گردد و این دسته



از روحانیون همانند سایر کارمندان حقوق دریافت می‌کنند. مضاف بر اینکه بسیاری از روحانیان از راه تعلیم و تبلیغ دین ارتزاق نمی‌کنند.

۱۰. دین، در نزد خدا یک نام و حقیقت بیش‌تر ندارد و آن «اسلام» است. همه پیامبران الهی به اسلام دعوت کرده‌اند. مسیحیت و یهودیت در واقع نوعی فرهنگ است نه دین. جوهره «اسلام» تسلیم در برابر حقیقت، یعنی خواست خداوند جهان‌آفرین است. آنچه به عنوان ارزش‌ها، معارف، آموزه‌ها و احکام دین در کتاب‌های آسمانی بر و زبان پیامبران علیهم السلام، بیان شده در حقیقت، تفسیر، تبیین و تفصیل جوهره دین است.

۱۱. معنویت، یعنی ارتباط با امر قدسی و فرامادی. معنویت مهم‌ترین بعد جوهره دین است، نه تمام دین و نه مغایر با دین! معنویت‌های سکولار و بدون خدا، در واقع، نوعی خلسه روان‌شناختی و خالی‌کردن ذهن از فکر است. درحالی که معنویت اصلی و اصیل، یعنی کشف معنای زندگی، نه خالی‌کردن ذهن از فکر یا معناسازی خیالی از واقعیت!

۱۲. روحانیان، متولی دین نیستند، بلکه متخصصان فهم دین و مبلغان آن‌اند؛ همچنانکه پزشکان، متولی بدن نیستند، بلکه شناسنده حالات و عوارض آن‌اند. متولی دین، خدا و متولی ادیان باطل، اختراع‌کنندگان آن ادیان‌اند. دین، به مثابه یک آگاهی برخاسته از ارتباط با امر قدسی، مجموعه‌ای از معارف، ارزش‌ها، احکام و آموزه‌هایی است که سبک زندگی خاصی را رقم می‌زند؛ این نهاد، به مثابه یک دانش گسترده، هرگز بدون فهمنده و تبیین‌کننده (عالمان دین) در دسترس انسان‌ها قرار نمی‌گیرد. در زمان حیات پیامبران، خود آنان بزرگواران بیان‌کننده و تبلیغ‌کننده دین‌اند و پس از مرگ پیامبران، جانشینان آنان، یعنی عالمان و فقیهان دین‌شناس، چنین امر مهمی را برعهده دارند.

۱۳. طردقرائت رسمی از دین، نه تنها ممکن نیست، بلکه اگر هم ممکن باشد، مفید نبوده و به اختلافات بسیار

فراوان و حل‌ناشدنی منتهی می‌شود. حال که در همه ادیان، عده خاصی متکفل فهم و تبلیغ دین‌اند، این قدر در دین اختلاف نظر وجود دارد؛ حساب کنید که اگر فهم دین به تک‌تک انسان‌ها واگذار شود، فارغ از امکان آن، اختلافات دینی به اندازه تک‌تک انسان‌ها خواهد بود! قرآن کریم، علت اختلافات درباره دین را با صراحت اینگونه بیان کرده است: «... و در دین اختلاف نکردند مگر کسانی که پس از آمدن دلائل روشن، با انگیزه سرکشی در میان خودشان {به اختلاف افکنی رو آوردند}...»<sup>۱</sup>.

۱۴. حکومت دینی، نظامی بر مبنای مبانی، اصول، ارزش‌ها و احکام دینی است و از اساس با حکومت سکولار، متفاوت است. حکومت سکولار بر مبنای، ارزش‌ها و قراردادهای انسانی مبتنی است و جز رساندن اکثریت افراد جامعه (و در واقع، اقلیت جامعه به ثروت‌های کلان!) به خواست‌های دنیایی آنان هدفی ندارد. در حکومت دینی، محور، خدا و در حکومت سکولار، محور، خواست انسان‌ها است. صرف وجود حق انتخاب شهروندان و برقراری عدالت عقلایی یا قراردادی میان آنان، هرچند از ارکان حکومت دینی است، اما حکومت، را دینی نمی‌کند؛ اطاعت از خدا (احکام قرآن) و رسول (پیروی از سنت)<sup>۲</sup>، اقامه نماز، ادای زکات، امر به معروف و نهی از منکر (در معنای وسیع آن)<sup>۳</sup>، حاکمیت شایستگان<sup>۴</sup>، اهتمام به امور دنیا و آخرت، ... برخی از شاخصه‌های حکومت دینی است.

۱۵. روحانیت، متولی دین نیست، بلکه متخصص فهم، مجری احکام و مبلغ دین است. روحانیت حق تغییر دلبخواهی احکام دین برای منافع شخصی و گروهی را ندارد؛ بلکه باید آنچه را که با روش معتبر از متون اصلی

۱. «... وما اختلف فيه الا الذين اوتوه من بعد ما جائتهم البينات بغياً بينهم ...» (بقره: ۲۳۱).

۲. «يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر منكم ...» (نساء: ۵۹).

۳. «الذين ان مكناهم في الارض اقموا الصلوة واتوا الزكات و امروا بالمعروف و نهوا عن المنكر و لله عاقبه الامور» (حج: ۴۱).

۴. «اتبعوا من لا يستلکم اجرا و هم مهتدون» (یس: ۲۱).

دین استنباط کرده، اجرا کند. باب اجتهاد گشوده و دیکتاتوری، در فهم دین ممنوع است؛ و از این رو فهم‌های عالمان، قابل‌تغییر است؛ ضمن آنکه زمان و مکان هم عناصر مهمی در تغییر ماهیات موضوعات و به تبع آن، تغییر احکام، متناسب با زمان و تحولات آن است.

۱۶. غیراز مبانی و اصول مسلم و ضروریات دین، اجتهاد در همه ابواب و مسائل فقهی و کلامی جریان دارد. اینگونه نیست که در حکومت‌های سکولار همه چیز متغیر و متحول باشد؛ در حکومت‌های سکولار هم، مبانی و اصول مسلم و تغییرناپذیری وجود دارد؛ زیرا اگر چنین مبانی و اصولی نباشد، جامعه، گرفتار آنارشیسم و هرج و مرج خواهد شد. در حال حاضر اعلامیه حقوق بشر از مبانی تغییرناپذیر حکومت‌های سکولار و لائیک به شمار می‌رود. جالب است توجه کنیم که امروزه در کشورهای مثل آلمان و فرانسه انتقاد از اسرائیل و هلوکاست، خط قرمز و ممنوعیت آن از اصول تغییرناپذیر به شمار می‌رود!

۱۷. علاوه بر روایات رسیده از پیشوایان دین، فهم همه مسلمانان در طول تاریخ از اصطلاح «خاتم النبیین» ختم نبوت، توسط پیامبر اسلام است و بر این اساس ادعای نبوت از سوی هرکسی باطل است.

۱۸. عقل فطری و پیراسته از خرافات و موهومات، اگرچه خود منبعی از دریافت اراده تشریعی خداوند و فهم مشیت او است، اما توان آن برای فهم همه معارف و تشخیص همه آموزهای دین کافی نیست. خداوند وحی را همکار و مددکار عقل قرار داده تا در مسائلی که توان فهم آن برای عقل نیست، به کمک انسان‌ها بیاید. عقل بسندگی، موجب سیطره جهل می‌شود. نگاهی به صحنه جهان به خوبی نشان می‌دهد که انسان منهای وحی، جز نهیلیسم چندلایه، ظلم افسارگسیخته و سیطره ماشین بر انسان دستاوردی نداشته است. تکنولوژی، راهبر و راهنمای بشر نیست؛ بلکه ابزاری

است که می‌بایست راهبری شود؛ آری! متأسفانه امروزه بشر به جای رهبری تکنولوژی، آن را بر خود امیر و خود را ذلیل آن کرده است!

۱۹. برای هر امتی پیامبری بوده است. مردم، از عصر نزول قرآن تا روز قیامت، امت آخرین پیامبرند؛ نهاد فقاہت که توسط قرآن تأسیس شد، در واقع، امتداد نبوت تا برخاستن قیامت است. بنابر این عالمان راستین و درستکدار امت، جانشینان پیامبر در تعلّم و تعلیم دین‌اند.

### ■ منابع جهت مطالعه:

- محمدرضا حکیمی، هویت صنفی روحانیت،
- محمد عالم زاده نوری، لباس روحانیت، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- علی صفائی حائری، معرفت دین، جامعه دینی، حکومت دینی، قم: انتشارات لیلہ القدر
- محمدابراهیم جناتی، تطور اجتهاد در حوزه استنباط، تهران: امیرکبیر
- علی اصغر همتیان، محمدجعفر امامی، احمد فربهی، رسالت سازمان روحانیت، قم: فقاہت
- محمدعلی اخلاقی، شکل‌گیری سازمان روحانیت شیعه، تهران: انتشارات شیعه‌شناسی
- امام خمینی، کشف الاسرار، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- امام خمینی، ولایت فقیه، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

آشناسازی نسل جوان با علوم اسلامی و روش اجتهاد فقهی و کلامی، از طریق ساخت مستند، بروشور، ارائه کار عملی درس دینی و بینش اسلامی در دبیرستان‌ها؛ دعوت از استادان ماهر برای تبیین روش‌های فهم دین و توضیح کارویژه‌های روحانیان در مدارس؛ گنجاندن معرفی شغل روحانی در فهرست مشاغل کتاب کار

و دانش؛ نگارش فیملنامه‌های قوی و واقع‌بینانه از سبک زندگی و کارویژه‌های روحانیت و تاریخ روحانیت؛ معرفی کتاب‌های مفید درباره تاریخ روحانیت برای نسل جوان؛ نگارش فیلمنامه و ساخت فیلم‌های سینمایی، داستانی و سریالی درباره شخصیت‌های روحانی تأثیرگذار در تاریخ ایران؛ به‌ویژه دویست ساله اخیر؛ برگزاری اردوهای دانش‌آموزی و دانشجویی برای آشناسازی نسل جوان با مراکز حوزوی و استادان حوزه؛ ساخت مستند و نگارش بروشورها و موشن‌هایی درباره نقش تأثیرگذار رهبران روحانی نظام اسلامی در تحولات علمی و فنی کشور؛ تقویت علمی و مهارتی نهاد تبلیغ دینی در مدارس، به ویژه متوسطه اول و دوم؛ معرفی بنیادها و سازمان‌های خیریه فرهنگی، خدماتی و رفاهی که توسط روحانیان با هزینه‌های شخصی، کمک مردمی و وجوه شرعی ساخته شده است؛ ساخت مستند، کلیپ و عکس‌نویس از خدمات تبلیغی، رفاهی، عملی روحانیان در دوران کرونا، سیل‌ها، زلزله‌ها، ...؛ معرفی پیشرفت‌های علمی، تخصصی و مهارتی روحانیان در حوزه علوم دینی و انسانی، فناوری رایانه‌ای و زبان‌های خارجی، معرفی دستاوردهای علمی روحانیان، اعم از کتاب، مقاله، نرم‌افزار و ...

## القاب روحانیت و کارکردهای آن به روایت شریعتی و دیگران

موضوع عام: روحانیت

موضوع خاص: القاب روحانیت

نام شبهه‌کننده: رحمان لیوانی

منبع انتشار شبهه: سایت زیتون

<http://zeitoons.com>

هدف‌های احتمالی: اعتبارزدایی از مراتب

سازمانی حوزه، متهم‌ساختن روحانیت به  
سودجویی از طریق دین، متهم‌ساختن  
روحانیت به قدرت‌طلبی و فریب مردم.

نمایه‌ها: القاب روحانیان، شریعتی، اتوریته  
دینی، تک‌صدایی، تکثرگرایی.

### متن شبهه

۱. ألقاب روحانیت، بر خلاف ألقاب دیگر گروه‌های اجتماعی، همواره کارکردی دوگانه داشته است. بدین ترتیب که این ألقاب پر طمطراق به گواهی تاریخ و به گواهی چهار دهه تجربه عینی استبداد دینی حاکم بر جامعه ما، از یکسو روحانیت را به "نان" و "نام" رسانده و اتوریته دینی و اقتدار سیاسی‌اش را بر جامعه تحمیل کرده و از سوی دیگر "نان" و "نام" مردم را به مخاطره افکنده و آنان را از همه حقوق انسانی و شهروندی که شایسته یک انسان مختار و آزاد است، محروم کرده است.

۲. در حوزه‌های علمیه هیچ معیار و قاعده علمی و منطقی و تعریف شده‌ای برای احراز ألقاب وجود ندارد و انگیزه اصلی روحانیان در استفاده از ألقاب برساخته خود، در غالب موارد، قدرت‌طلبی سیاسی و تأمین منافع مادی و منزلت اجتماعی است.

۳. با توصیفی که خود روحانیان از ألقاب‌شان ارائه

می‌دهند، اکنون می‌توان بهتر به صحت نظریه شریعتی در باب اَلقَابِ روحانیت پی‌برد. شریعتی معتقد است اَلقَابِ روحانیون نه متأثر از تعالیم و فرهنگ اسلامی که از فرهنگ طبقاتی و اشرافی و به منظور حفظِ فاصله طبقاتی و اجتماعی خود با توده‌های مردم اثر گرفته است. هدف و انگیزه اصلی روحانیت از لقب‌سازی، حفظِ فاصله طبقاتی خود با توده‌های مردم و نشان‌دادنِ موقعیتِ ممتاز اجتماعی است.

۴. روحانیتِ رسمی، که داعیه نمایندگی خدا و متولی‌گری دین را در سر می‌پروراند، مخالفانِ خود را مخالفانِ خدا و دین به شمار می‌آورد: «متولیانِ رسمیِ مذهب بر خلافِ متفکران و دانشمندان و صاحب‌نظرانِ غیر مذهبی، مخالفِ خود را مخالفِ خدا و دین تلقی می‌کنند و خود را نماینده خدا و صاحبِ امتیازِ رسمی از جانبِ خدا». همین مدعای خودخواهانه و متوهمانه موجب می‌شود که به گفته شریعتی «اختلافِ فکری یا علمی فردی با این تیپ‌ها به زودی تبدیل به جهادِ مقدس میانِ کفر و دین، شیطان و الله، نجس و پاک و ظلمت و نور می‌شود».

۵. روحانیتِ رسمی با اَلقَابِ و اوصافی که برای خود قائل است، در حوزه سیاست نیز مدافع پروپاقرصِ تک‌صدایی و مخالفِ سرسختِ تکثرگرایی در جامعه است.

## پیشنهادها

### ■ پاسخ‌اجمالی:

۱. نام‌ها و القاب گروه‌های اجتماعی، برساخته‌هایی اعتباری است که یا بر پایه صرف اعتبار و یا اعتباراتی برخاسته از سنت علمی و عملی درون آن گروه اجتماعی شکل گرفته است. این نام‌ها و القاب، معمولاً کارکرد بازشناسی و تمایز میان صنف‌های اجتماعی و تعیین جایگاه افراد گروه از لحاظ میزان تخصص، تجربه و اقتدار درون گروهی یا میان گروهی دارد.

۲. همه گروه‌های اجتماعی به سبب تخصص، کارآیی و خدماتی که به دیگر گروه‌ها ارائه می‌کنند، علاوه بر ساختار قدرت درون‌گروهی، از نوعی مکانیزم اعمال قدرت میان‌گروهی نیز برخوردارند. اقتدار یا اتوریته‌های میان‌گروهی، برخی آشکار و برخی پنهان است؛ مثلاً اتوریته پزشکان آشکار و اتوریته کارگران، پنهان است. اساساً هرچای تخصص، کارآیی و خدمات دهی در میان است، نوعی اقتدار هم وجود دارد، هم درون‌گروه و هم میان‌گروها.

۳. القاب اجتماعی برای همه اصناف و گروه‌ها، هم جنبه نام‌آوری دارد و هم جنبه نان‌آوری! شکل‌گیری اصناف و گروه‌های اجتماعی همواره برای نظم‌بخشی به جامعه و تحقق اهداف آن در تأمین نیازها و اغراض معطوف به معیشت انسان‌ها، در معنای وسیع آن است. بنابر این القاب اجتماعی برای همه گروه‌های اجتماعی نام و نان می‌آورد و این امر در صنف روحانیان منحصر نیست؛ گوا اینکه وظائف هرگروه اجتماعی با وظائف دیگر گروه‌ها متفاوت است و هیچ گروه اجتماعی توان و ظرفیت اقتدار و اتوریته مطلق را ندارد!<sup>۱</sup>

۴. القاب روحانیان در طول تاریخ این صنف شکل گرفته و پیوسته، متحول شده است. این القاب، اگرچه تقدس ذاتی ندارد، اما دارای بار ارزشی است. القابی مانند حجت الاسلام، ثقه الاسلام، فقیه، آیت الله و غیره علاوه بر تعیین اعتباری جایگاه هر فرد در درون سازمان روحانیت، از لحاظ مرتبه علمی و عملی، به خاستگاه علوم و فنون روحانی نیز اشاره داشته و از برخی تعبیر قرآنی و روایی ریشه می‌گیرد.<sup>۲</sup>

۵. تعیین محدوده آزادی، انتخابگری و حقوق شهروندی افراد جامعه اسلامی، بر پایه مبانی و احکام فقه

۱. اشاره به مفاد آیه کریمه «... و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضا سخریا...» (زخرف: ۳۲).

۲. به عنوان مثال واژه فقیه از آیه تفقه (توبه: ۱۳۲)، واژه حجت از آیه (نساء: ۱۶۵) به ضمیمه روایت مشهور الفقهاء ائمة المرسلین ... و مقبوله عمر بن حنظله که در آن امام صادق، فقهارا حجت خود بر مردمان معرفی کرده است.



اسلامی تعیین می‌شود؛ همچنانکه این محدوده در جوامع لیبرال، ظاهراً، توسط مجالس قانون‌گذاری و خرد نمایندگان مجالس تعیین و اعمال می‌شود. قوانین اسلامی بر استنباط روشمند از کتاب و سنت مبتنی است. برخی از قوانین اسلامی، از لحاظ وضوح و قطعیت، جزء ضروریات دین به شمار می‌رود و انکار آن به مثابه انکار نبوت خاتم یا انکار وجود خداوند یا صفات ذاتی او است؛

۶. قانون اساسی و ساختار نظام اسلامی هم در آغاز و هم در امتداد آن بارها توسط مردم انتخاب و تأیید شده و مردم ایران با آراء خود پذیرفته‌اند که منابع قانونگذاری و سازکار اجرایی کشور، علاوه بر استفاده از تجربه بشری، بر اساس تعالیم قرآن و سنت و سیرت نبوی و علوی باشد. بنابراین حقوق شهروندی و محدوده و سازکار اعمال آزادی و انتخابگری مردم در نظام اسلامی، اگر بیش نظام‌های لیبرالی و سوسیالی نباشد، یقیناً کمتر آن نیست.

۷. روحانیت، طبقه نیست؛ بلکه یک صنف و سازمان اجتماعی است که اعضای آن برای تحقق هدف مشترکی فعالیت می‌کنند؛ هدف روحانیان، فهم، تبلیغ و اقامه دین در جامعه است. به همین سبب ورود هیچ فرد، از هیچ طبقه اجتماعی (فقرا، اشراف و متوسطان) به سازمان روحانیت ممنوع نیست؛ همچنانکه بسیاری از فرزندان علمای بزرگ و دیگر روحانیان، به کسوت روحانیت در نیامده و شغل دیگری برای خود انتخاب می‌کنند. علاوه بر این بسیاری از افراد شاغل در سازمان روحانیت با وجود برخورداری از درجه تخصص خاص و ارائه کارکرد علمی ویژه، به القاب معمول خوانده نمی‌شوند، و این امر نه یک ساز و کار سازمانی، بلکه نوعی قرارداد نانوشته اجتماعی میان روحانیان و دیگر مردم است.

۸. تفاوت علوم دینی با دیگر علوم، به سبب تفاوت ماهیت، منشأ و غایت علوم دینی با دیگر علوم است؛ مثل تفاوت ماهیت، منشأ و غایت علم حقوق و سیاست

در دیگر جوامع. در نظام‌های غیراسلامی، قوانین را حقوق‌دانان و سازوکار اجرای آن را سیاستمداران تعیین می‌کنند و هرکس با قوانین و سازوکارهای اجرایی آن مخالفت کند، مجرم شناخته شده و مجازات می‌شود. پس در همه نظام‌های حقوقی، سه گروه موافقان قانون و هنجارها (مؤمنان) و مخالفان قانون و هنجارها (کافران) و متخلفان از قانون و هنجارها (فاسقان) وجود دارد؛ یک گروه پاداش گرفته و دو گروه دیگر مجازات می‌شوند. با این تفاوت که آن قوانین را انسان‌ها نوشته و اجرا می‌کنند؛ در حالی که قوانین اسلامی ماهیت الهی، منشأ و حیانی و غایت کمالی دارد.

۹. علوم اسلامی مجموعه گزاره‌های مندرج در کتاب و سنت یا استنباط‌شده از آن دو است. بر اساس مبانی ضروری دین، مخالفت و موافقت با گزاره‌های قطعی و معتبر دین، معیار قرارگرفتن افراد در گروه مؤمنان و کافران است و اگر چنین نباشد، نه تنها اعتبار دین از بین می‌رود، بلکه مفاهیم دینی (مؤمن، کافر، مرتد، منافق و غیره) نیز معنای خود را از دست می‌دهد. البته هرکسی می‌تواند با فراهم کردن مقدمات و ابزارهای لازم، به استنباط مسائل دین از منابع آن، در خارج از محدوده ضروریات پردازد و مادام که فهم او روشمند باشد، معتبر است؛ گویا با فهم دیگر عالمان متفاوت باشد!

بنابر این تقسیم انسان‌ها، به کافر و مؤمن و احکام مربوط به هرکدام، کار روحانیان نیست، بلکه از احکام خدا در قرآن است؛ حال اگر کسی قرآن و سنت پیامبر را قبول ندارد، باید آن را با صراحت اعلام کند؛ نه آنکه از روی تزویر، احکام الهی را به روحانیان منتسب کرده، آن را متوهمانه و خودخواهانه اعلام نموده و آنگاه با آن مخالفت نماید!

#### ■ منابع جهت مطالعه:

- محمد رضا حکیمی، هویت صنفی روحانیت،
- محمد عالم زاده نوری، لباس روحانیت، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- علی صفائی حائری، معرفت دین، جامعه دینی،

- حکومت دینی، قم: انتشارات ليله القدر
- محمدابراهیم جناتی، تطور اجتهاد در حوزه استنباط، تهران: امیرکبیر
  - علی اصغر همتیان، محمد جعفر امامی، احمد فربهی، رسالت سازمان روحانیت، قم: فقاقت
  - محمد علی اخلاقی، شکل‌گیری سازمان روحانیت شیعه، تهران: انتشارات شیعه‌شناسی
  - امام خمینی، کشف الاسرار، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
  - امام خمینی، ولایت فقیه، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

آشناسازی نسل جوان با علوم اسلامی و روش اجتهاد فقهی و کلامی، از طریق ساخت مستند، بروشور، ارائه کار عملی درس دینی و بینش اسلامی در دبیرستان‌ها؛ دعوت از استادان ماهر برای تبیین روش‌های فهم دین و توضیح کارویژه‌های روحانیان در مدارس؛ گنجاندن معرفی شغل روحانی در فهرست مشاغل کتاب کا و دانش؛ نگارش فیلمنامه‌های قوی و واقع‌بینانه از سبک زندگی و کارویژه‌های روحانیان و تاریخ روحانیت؛ معرفی کتاب‌های مفید درباره تاریخ روحانیت برای نسل جوان؛ نگارش فیلمنامه و ساخت فیلم‌های سینمایی، داستانی و سریالی درباره شخصیت‌های روحانی تأثیرگذار در تاریخ ایران؛ به‌ویژه دویست ساله اخیر؛ برگزاری اردوهای دانش‌آموزی و دانشجویی برای آشناسازی نسل جوان با مراکز حوزوی و استادان حوزه؛ ساخت مستندها و نگارش بروشورها و موشن‌هایی درباره نقش تأثیرگذار رهبران روحانی نظام اسلامی در تحولات علمی و فنی کشور؛ تقویت علمی و مهارتی نهاد تبلیغ دینی در مدارس، به ویژه متوسطه اول و دوم؛ معرفی بنیادها و سازمان‌های خیریه فرهنگی، خدماتی و رفاهی که توسط روحانیان با هزینه‌های شخصی، کمک مردمی و وجوه شرعی ساخته شده

است؛ ساخت مستند، کلیپ و عکس نوشت از خدمات تبلیغی، رفاهی، عملی روحانیان در دوران کرونا، سیل‌ها، زلزله‌ها، ...؛ معرفی پیشرفت‌های علمی، تخصصی و مهارتی روحانیان در حوزه علوم دینی و انسانی، فناوری رایانه‌ای و زبان‌های خارجی، معرفی دستاوردهای علمی روحانیان، اعم از کتاب، مقاله، نرم‌افزار و ...

## چهار اتهام به روحانیت شیعه

موضوع عام: روحانیت

موضوع خاص: کنش‌های سیاسی روحانیت

نام شبهه کننده: مجیدی مجیدی

منبع انتشار شبهه: : سایت تلویزیون میهن

<http://mihantv.com>

هدف‌های احتمالی: تضعیف پایگاه روحانیت در

میان مردم، مشروعیت‌زدایی و بی‌اعتبار کردن

روحانیان، سیاه‌نمایی علیه نظام اسلامی

و روحانیت، فریب افکار عمومی در موضوع

حضور منطقه‌ای جمهوری اسلامی.

نمایه‌ها: روحانیت، مخالفان سیاسی،

کشتار مخالفان، دیکتاتوری، سیاست خارجی

جمهوری اسلامی.

شناسه شبهه

### متن شبهه

۱. روحانیت شیعه نشان داده که چه ظرفیتی برای قساوت و ایستادن در سمت آدم‌کشان حرفه‌ای مثل قذافی، بشار اسد، پوتین و مادودور دارد. حمایت مستقیم از پوتین و بشار اسد در کشتار جمعی، بسیار فراتر از سکوت در برابر کشتار و سرکوب مسلمانان چینی و ایغوری به دست دولت‌های روسیه و چین است که روحانیت شیعه در برابر آن‌ها سکوت کرد.

۲. از منظر بوق‌های تبلیغاتی رژیم اسلامی در ایران همه ساکنان اسرائیل، صهیونیست و مستحق مرگ و نابودی‌اند. از این رو حتی در خبرها به کودکان و زنانی که به دست حماس یا دیگر گروه‌های فلسطینی کشته می‌شوند، به‌عنوان صهیونیست اشاره می‌شود.

۳. تعداد روحانیون شیعه که از کشتار بیش از چهارصد هزار مسلمان به دست رژیم بشار اسد و با مشارکت مستقیم سپاه قدس و دیگر نیروهای نظامی جمهوری

اسلامی ایران انتقادی کرده باشند، به انگلستان یک دست نیز نمی‌رسد.

۴. کارنامه روحانیت شیعه علیه هموطنان خود، سیاه‌تر بوده است. اسلام‌گرایان و رژیم اسلامی‌شان در بیش از چهار دهه حکومت بر ایران، هزاران مخالف خود را کشته، ده‌ها هزار نفر را به زندان افکنده و شکنجه کرده و ده‌ها میلیون نفر را تحت آزار و ایدای دائمی قرار داده‌اند.

## پیشنهادها

### ■ پاسخ‌اجمالی:

۱. متهم ساختن روحانیون شیعه به دفاع مطلق و بی‌قید و شرط از آدم‌کشانی مثل قذافی و دیگر دیکتاتورهای منطقه، سخن گزاف، باطل و گزافه‌ای بیش نیست. مبانی و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی کاملاً روشن و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و عقلانیت عملی است. روشن است که در تحولات بین‌المللی و روابط میان کشورها، حق و باطل مطلق وجود ندارد و ملاک سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، وضعیت فعلی افراد و دولت‌ها است. کارنامه ۴۳ ساله جمهوری اسلامی در دفاع از یا همکاری با دیگر دولت‌ها و ملت‌ها، همواره بر اساس مبانی دینی و عقلانی بوده است.

۲. جمهوری اسلامی ایران نشان داده که همواره مدافع حق و در کنار مظلومان است و این دفاع را به صورت‌های مختلف انجام داده است. از آنجا که روابط و حوادث سیاسی، امنیتی و نظامی بین‌المللی، معمولاً پیچیده و دارای ابعاد گوناگونی است، قضاوت درباره همه موارد، کار روشن و آسانی نیست؛ از این رو قوه عاقله نظام اسلامی موضوعات و موارد مختلف را با توجه به مبانی و اصول اسلامی و سنجش مصالح و منافع مشروع کشور، ارزیابی کرده و مواضع خود را اعلام و اجرایی می‌کند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی، پویا، آرمان‌نگر و واقع‌گرا است؛ نه از آرمان‌ها اسلامی خود عقب می‌نشیند و نه از عملگرایی و ملاحظه

واقعیت‌های ژئوپلیتیک جهانی غافل می‌ماند!

۳. جمهوری اسلامی ایران در موارد و مواضع بسیار فراوان، موضع اسلامی، عقلانی و اخلاقی خود درباره مسأله فلسطین را اعلام کرده است. از دیدگاه جمهوری اسلامی، اگرچه ساکنان غیربومی فلسطین اشغالی، غاصب و ظالم‌اند، اما کشتن آنان را جز در موارد دفاع، مقابله مثل و درگیری نظامی جایز نمی‌داند. موضع جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد: (۱) دولت اسرائیل، نامشروع و حاکمان گذشته و فعلی آن به سبب کشتار، زندانی‌کردن و آواره‌ساختن میلیون‌ها فلسطینی و غصب سرزمین و خانه‌های آنان، جنایتکار بوده و باید در دادگاه بین‌المللی صالح محاکمه و مجازات شوند. (۲) همه فلسطینیان آواره باید به سرزمین و خانه‌های خود بازگشته و زمین‌ها و خانه‌های غصب‌شده آنان بازگردانده شود. (۳) همه ساکنان فلسطین (اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی) باید در یک همه‌پرسی آزاد و سالم، نوع حکومت آینده و قانون اساسی کشور فلسطین را انتخاب کنند. (۴) ساکنان یهودی غیربومی فلسطین، تا زمانی که به غصب سرزمین فلسطینیان و ظلم سازمان‌یافته دولتی به آنان ادامه دهند، همکار و شریک دولت تروریست صهیونیستی بوده و جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند با آنان همدلی و همدری کرده و از کشته‌شدن یا آسیب‌دیدن آنان متأسف باشد؛ زیرا خودشان چنین سرنوشت شوم و احمقانه‌ای را انتخاب و همچنان بر آن اصرار دارند!

۴. ابعاد، زوایا و مسائل جنگ سوریه و همکاری جمهوری اسلامی با دولت بشار اسد در پیشگیری از سقوط نظام سوریه و شکست داعش، امروز بیش از گذشته روشن و آشکار است. در جنگ سوریه اگرچه افراد زیادی به دست داعشیان کشته، مجروح و آواره شدند، اما پیروزی بشار اسد و ملت سوریه، یقیناً از جنایات بسیار بیش‌تری جلوگیری کرد. عملکرد جنایت‌بار و پرقتساون

داعش در عراق و سوریه نشان داد که اگر دولت سوریه ساقط شده بود، با فاجعه‌ای به مراتب عمیق‌تر و گسترده‌تر روبه‌رو شده بودیم. جمهوری اسلامی، نظام کنونی سوریه را با همه عیوبی که دارد، حافظ منافع مردم سوریه و کشورهای همجوار آن تشخیص داده و در حال حاضر در دفاع از آن تردیدی ندارد.

۵. متهم ساختن نظام اسلامی و روحانیون شیعه به کشتن و زندانی کردن مخالفان، اتهام دروغ، باطل و ساخته پرداخته جریان رسانه‌ای امپریالیسم بین‌الملل است. اساسا در جمهوری اسلامی زندانی سیاسی نداشته و نداریم؛ همه افرادی که ادعا می‌شود با اتهامات سیاسی محاکمه، زندانی و اعدام شده‌اند، در حقیقت، مفسدان فرهنگی یا امنیتی یا اقتصادی بوده‌اند.

#### ■ منابع جهت مطالعه:

• منوچهر محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.

#### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

آشناسازی مردم، خصوصا نسل جوان با سیاست خارجی جمهوری اسلامی از طریق معرفی کتاب، ساخت مستند، ساخت فیلم‌های سینمایی و سریال‌های برگرفته از ماجراهای واقعی؛ آشناسازی هرچه بیشتر نسل جوان با ژئوپلیتیک جهان و تبیین سیاست خارجی عملگرای جمهوری اسلامی در مدارس با دعوت از متخصصان سیاسی و سیاست خارجی، همراه با ارائه مستندهای تصویری؛ معرفی هرچه بیشتر تحولات منطقه و فاجعه‌هایی که در کشورهای اطراف ما رخ داده و یا در حال رخ دادن است؛ شفاف‌سازی هرچه بیشتر درباره جرم‌های مفسدان اقتصادی و امنیتی و روند دادرسی و محکومیت آنان، با هدف بالا بردن اعتماد عمومی به نظام و دستگاه قضایی.



## آیا لباس روحانیت مقدس است؟

شناسه شبهه

**موضوع عام:** روحانیت  
**موضوع خاص:** لباس روحانیون  
**نام شبهه کننده:** مجهول  
**منبع شبهه:** رصد میدانی  
**هدف‌های احتمالی:** احترام‌زدایی از لباس روحانیت، متهم‌ساختن روحانیت به جعل اعتبار برای لباس سازمانی خود.  
**نمایه‌ها:** لباس روحانیان، لباس پیامبر، لباس شهرت.

### متن شبهه

۱. درست است که پیامبر و حضرت علی و دیگر یاران پیامبر عمامه / دستار بر سر داشتند، اما ابولهب و ابوسفیان و ابن‌ملجم و عمر سعد و شمر و یزید و خولی نیز عمامه بر سر داشتند! این، یعنی عمامه، لباس رایج آن زمان بوده (العمامة تیجان العرب!) که مؤمن و مشرک و منافق و مکی و مدنی، همه استفاده می‌کردند! بنابراین عمامه لباس دین و تبلیغ نبوده و پیامبر (ص) پوشیدن آن را ابداع نکرده، بلکه پوششی مربوط به عرف و رسم و رسوم آنان بوده است.

۲. لباس روحانیان، لباس شهرت، موجب انگشت‌نما شدن و تمایزگذاری میان آنان با مردم است. در حدیث آمده که بهترین لباس اهل هرزمان، لباس اهل آن زمان است؛ در حالی که لباس روحانیان متعلق به اهل زمان‌ها و مکان‌های بسیار دور است و در این زمان و در کشور ما میان مردم رواج ندارد!

## پیشنهاد ها

### ■ پاسخ اجمالی:

۱. وقتی گفته می‌شود لباس روحانیان، لباس پیامبر و امام است، مقصود، صرف پوشیدن عمامه، قبا و عبا نیست؛ منظور، جایگاه و کارویژه پیامبر و امام است که از گذشته تاکنون، این لباس خاص، نماد و نشانی از آن جایگاه به شمار می‌رود؛ وگرنه هرکسی می‌تواند این لباس را از بازار تهیه و بر تن کند.

۲. نشانه و نماد شدن یک لباس برای یک جایگاه یا شغل یا کارویژه اجتماعی، به اعتباری است که جامعه برای آن لباس در نظر می‌گیرد و امر ذاتی و واقعی نیست؛ امروزه لباس پزشکان در محیط حرفه‌ای، روپوش سفید رنگ است. این لباس را جامعه به عنوان نماد پزشکان در نظر گرفته و برای آن به عنوان نمادی از کارویژه این گروه اجتماعی، ارزش و احترام قائل است؛ در حالی که می‌دانیم همواره در کنار پزشکان درستکار و خدمتگزار مردم، پزشکان متقلب یا سودجو یا جنایتکارانی که صرفاً لباس پزشکان را به تن کرده‌اند، هم فراوان بوده و خواهند بود!

۳. مقصود از لباس شهرت، هنرنوع نشانه‌ای است که موجب توجه غیرعادی و احیانا مسخره‌شدن و انگشت‌نما شدن فرد توسط جامعه شود؛ مثل پوشیدن لباس زنانه توسط مردان یا عکس آن، پوشیدن لباس زننده و جلف توسط بانوان، پوشیدن لباس خواب در مجالس رسمی و مهمانی‌ها، ... از این رو لباس روحانیت، لباس پزشکان، لباس نیروهای نظامی و انتظامی، لباس شهرت محسوب نمی‌شود.

۴. تمایزگذاری در میان اصناف و اقشار مردم به وسیله لباس یا نشانه‌های دیگر، به طور مطلق، نکوهیده و ممنوع نیست. اساساً تمایزگذاری به وسیله پوشش، یکی از کم‌هزینه‌ترین روش‌ها برای دسترسی آسان مردم به خدمات مورد نظرشان بوده و کاری عقلایی

است. آری! تمایزگذاری به وسیله پوشش‌های نامتعارف و ناشناخته، لباس‌های گرانقیمت، یا مجبورساختن بخشی از مردم به پوشیدن لباس خاص (مثل کلاه پهلوی یا بی‌حجابی اجباری) نکوهیده و غیراخلاقی است. ۵. در حدیث امام صادق، مقصود از «لباس اهل هرزمان»، لباس‌های متعارف و شناخته شده است، نه یک لباس خاص یا لباس اکثریت جامعه! مثلاً در صدر اسلام، سبک پوشش بسیاری از مردم، بستن لنگ به کمر و انداختن حوله بر دوش یا اکتفا به لنگ بوده است؛ چنانکه امام علی علیه السلام در توصیف لباس خود می‌فرماید: «امام شما در پوشش به دو تکه پارچه اکتفا کرده است!» بر اساس حدیث امام صادق علیه السلام چون این گونه لباس پوشیدن، امروزه در میان مردم ایران متعارف و شناخته شده نیست، لباس مناسبی برای پوشیدن نیست و این سخن ربطی به لباس روحانیان ندارد!

#### ■ منابع جهت مطالعه:

- محمد عالم زاده نوری، لباس روحانیت، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی
- محمد رضا حکیمی، هویت صنفی روحانیت، قم: نشر
- علی اصغر هم‌تیان، محمد جعفر امامی، احمد فریبهی، رسالت سازمان روحانیت، قم: فقاقت
- محمد علی اخلاقی، شکل‌گیری سازمان روحانیت شیعه، تهران: انتشارات شیعه‌شناسی.

#### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

آشناسازی نسل جوان با کارویژه‌های روحانیان، از طریق ساخت مستند، بروشور، ارائه کار عملی درس دینی و بینش اسلامی در دبیرستان‌ها؛ دعوت از استادان ماهر برای توضیح کارویژه‌های روحانیان در مدارس؛ گنجاندن معرفی شغل روحانی در فهرست مشاغل کتاب کا و دانش؛ نگارش فیملنامه‌های قوی و واقع‌بینانه از سبک زندگی و کارویژه‌های روحانیان و تاریخ روحانیت؛

معرفی کتاب‌های مفید درباره تاریخ روحانیت برای نسل جوان؛ نگارش فیلمنامه و ساخت فیلم‌های سینمایی، داستانی و سریالی درباره شخصیت‌های روحانی تأثیرگذار در تاریخ ایران؛ به‌ویژه دویست ساله اخیر؛ برگزاری اردوهای دانش‌آموزی و دانشجویی برای آشناسازی نسل جوان با مراکز حوزوی و استادان حوزه؛ تقویت علمی و مهارتی نهاد تبلیغ دینی در مدارس، به‌ویژه متوسطه اول و دوم؛ معرفی بنیادها و سازمان‌های خیریه فرهنگی، خدماتی و رفاهی که توسط روحانیان با هزینه‌های شخصی، کمک مردمی و وجوه شرعی ساخته شده است؛ ساخت مستند، کلیپ و عکس نوشت از خدمات تبلیغی، رفاهی، عملی روحانیان در دوران کرونا، سیل‌ها، زلزله‌ها، ...؛ معرفی پیشرفت‌های علمی، تخصصی و مهارتی روحانیان در حوزه علوم دینی و انسانی، فناوری رایانه‌ای و زبان‌های خارجی، معرفی دستاوردهای علمی روحانیان، اعم از کتاب، مقاله، نرم‌افزار و....

## سرمایه فکری از نظر روحانیت

موضوع عام: روحانیت

موضوع خاص: مدیریت سیاسی روحانیون

شبهه کننده: محمد برزنجی

منبع شبهه: سایت ایران گلوبال

<http://www.iranglobal.info>

هدف‌های احتمالی: متهم ساختن روحانیان به

علم ستیزی، سیاه نمایی درباره نهاد روحانیت، معرفی روحانیت به عنوان مقصران مشکلات.

نمایه‌ها: روحانیت، روحانیان، علم، علم ستیزی، علوم بشری.

شناسه شبهه

### متن شبهه

جمهوری اسلامی یک نظام انحصاری روحانی است که همواره با علم و دانش امروزی سر ستیز داشته است. آن‌ها نه درکی از ارزش‌های علمی دارند و نه علاقه‌ای دارند که دانشمندان و کارشناسان برای مملکت تصمیم بگیرند. دانشمندان را تحقیر می‌کنند تا بتوانند قدرت خود را حفظ کنند.

تغییر اساسی وقتی در جامعه ایجاد خواهد شد که مردم تکلیف خود را با روحانیت مشخص کنند و نقش و ارزش روشنفکران و دانشمندان افزایش پیدا کند. آیا روحانیت باید کشور را اداره کند و یا کار مملکت در اختیار سیاستمداران و روشنفکران قرار گیرد؟ جامعه وقتی تغییر می‌کند که ارزش علم و دانشمندان از ارزش خرافه‌گویان و روضه‌خوانان بیش‌تر باشد!

### ■ پاسخ اجمالی:

در این شبهه چند نکته درست و غلط به هم آمیخته که برای وضوح بیش‌تر باید از هم جدا شود:

۱. این نکته که در کشورداری باید کارها به دست شایستگان و متخصصان هررشته سپرده شود، سخن درست و مقبولی است؛ لیکن سخن در این است که کدام کارها باید به دست کدام متخصصان داده شود؟ از همان نخست شکل‌گیری نظام اسلامی، همواره تلاش شده تا کارها به دست اهل آن سپرده شود و بررسی کارنامه جمهوری اسلامی در این امر روشن است؛ گوا اینکه به سبب نوپابودن نظام، سازوکارهای دموکراتیک، محدودیت‌های شرایط جنگ و تحریم، بی‌رغبت بودن برخی از افراد توانمند برای به عهده گرفتن مناصب حکومتی، گروه‌گرایی و باندبازی‌هایی که کم و بیش در همه نظام‌های سیاسی دنیا وجود دارد، همواره با ناکارآمدی و ناشایسته‌سالاری‌هایی در عرصه مدیریت‌های خرد و کلان روبه‌رو بوده‌ایم.

۲. نظام اسلامی ایران بر اساس تعالیم دین و مبانی فقه اسلامی، همواره تشویق‌گر و ترویج‌کننده همه علوم مفید بوده است. اتهام ستیز روحانیون با علم، بسیار خنده‌دار و مسخره است. نگاهی گذرا به صحنه کشور، نشان‌دهنده وجود و گسترش پیوسته نظام‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی و انبوه دانشجویان مرد و زنی است که در دانشگاه‌ها، مراکز علمی و تحقیقاتی در علوم پایه، مهندسی، پزشکی و انسانی مشغول تحصیل و تحقیق‌اند؛ حال اگر این وضعیت از نگرش مثبت و حمایت‌کننده روحانیت از نهاد علم، حکایت نکند، از چه چیزی حکایت خواهد کرد؟!

۳. بررسی گفتار و رفتار رهبران بزرگ جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای، در طول ۴۳ سال رهبری آشکارا از اهتمام نظری و عملی این

بزرگواران در تأیید و حمایت همه جانبه و پیوسته از دانش و دانشمندان حکایت می‌کند؛ کدام یک از رهبران سیاسی و مذهبی را در جهان می‌توان سراغ گرفت که به اندازه رهبران انقلاب اسلامی، به ویژه مقام معظم رهبری، این اندازه درباره اهمیت، ضرورت و سازوکارهای بسط دانش و بهره‌جستن از نیروهای انسانی عالم و متخصص سخن گفته و ایده ارائه کرده باشند؟!

۴. نکته مهم و اساسی دیگر اینکه کشورداری از مقوله مهارت است نه علم! اگرچه برخی از مسائل مورد نیاز رهبری و کشورداری در علوم، یافت می‌شود، اما کشورداری بیش از علم، به عقل و هوش رهبران، مدیران و کارگزاران نیازمند است. بسیار عالمانی که در علوم اقتصاد، سیاست، حقوق و غیره دانش فراوان اندوخته، اما از اداره مجموعه کوچکی در راستای دانش خود عاجزاند. مدیر و سیاستمدار، با دانشمند متفاوت است. مدیر و سیاستمدار کسی است که بتواند برای مسائل مدیریتی و سیاسی جامعه، راه‌حل‌های درست و مؤثر یافته و مشکلات را حل کند. بر این اساس لازم نیست سیاستمداران حتما در رشته علوم سیاسی درس خوانده و مدرکی گرفته باشند؛ آری! نباید از مبانی و مسائل علوم مربوط به کارشان بی‌اطلاع باشند، به عبارتی باید جنس کار را شناخته و با کمک از مشاوران صادق، امین و عالم، کارها را به پیش ببرند. بنابر این قضاوت درباره رجال سیاسی بر اساس مدرک تحصیلی، عناوین و پرستیژ علمی، منطقی و معقول نیست. به عنوان مثال شخصیت‌های بزرگی مانند شهیدان بهشتی، باهنر، رجایی و غیره هیچ‌کدام در علوم سیاسی، مدیریت و اقتصاد درس نخوانده بودند، لیکن مطالعات مؤثر، عقل سرشار، هوش فراوان و تجارب عملی آنان در حوزه کار سیاسی و مدیریتی، شایستگی‌های لازم برای تصدی آن مقامات را ایجاد کرده بود. مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای، نیز به تصدیق بزرگ‌ترین سیاستمداران و سیاست‌شناسان جهان، از نبوغ و

مهارت بالایی در راهبری سیاسی کشور برخوردار بوده و در میان رهبران مطرح جهان، کمتر کسی را می‌توان با ایشان مقایسه کرد، در حالی که به صورت کلاسیک، در علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و علوم استراتژیک تحصیل نکرده‌اند!

۵. روحانیت را خرافه‌گو تلقی نمودن، بیانگر نگاه شبهه‌گر به دین و متولیان دین است. گویی از نگاه اینان همه چیز نام دارد، به جز دین. غافل از آنکه دین اسلام بر پایه عقل و منطق استوار بوده و بیشترین تأکیدها را نسبت به علم و دانش و تفکر و تعقل دارد.

#### ■ منابع جهت مطالعه:

• محمد حسین راجی، صعود چهل ساله، انتشارات سعده

• [www.Khamenei.Ir](http://www.Khamenei.Ir)

• امام خمینی، صحیفه نور، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

• آیت‌الله خامنه‌ای، بیانیه گام دوم.

#### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

معرفی خدمات سخت افزاری و نرم افزاری جمهوری اسلامی، به ویژه شخص آیت‌الله خامنه‌ای، به پیشرفت علوم و فنون در کشور از طریق ساخت مستند، کلیپ، موشن، بروشور، پادکست و غیره. راه‌اندازی و تقویت کاروان‌های راهیان پیشرفت با هدف آشناسازی نسل جوان با مراکز علمی و تحقیقاتی کشور، تهیه و انتشار کتاب‌ها، مستندها، بروشورهایی با هدف ارائه مقایسه‌های عینی دستاوردهای جمهوری اسلامی در پیشرفت علمی و تحقیقی، همه‌آوری و تدوین سخنان رهبران انقلاب اسلامی، روحانیان بزرگ و مراجع تقلید درباره اهمیت علوم و فنون.



## روحانیت شیعه پیش و پس از جمهوری اسلامی؟

موضوع عام: روحانیت

موضوع خاص: کارکردهای روحانیت

شبهه کننده: مجید مجیدی

منبع شبهه: سایت ایرانیان انگلستان

<http://www.iranianuk.com>

هدف‌های احتمالی: تحقیر و تضعیف اعتبار و

آبروی روحانیت شیعه، متهم ساختن روحانیت به

سوء استفاده از موقعیت اجتماعی و سیاسی و

اقتصادی، اعتبارزدایی از شخصیت امام خمینی،

بدبین ساختن مردم نسبت به نظام و روحانیت.

نمایه‌ها: امام خمینی، روحانیت شیعه، ولایت

فقیه، جمهوری اسلامی.

شناسه شبهه

### متن شبهه

خمینی با نظریه ولایت فقیه و تأسیس جمهوری اسلامی، چهار امکان را در اختیار روحانیت شیعه قرار داد: ۱. امتیازات ویژه در حکومت‌داری با قرارگرفتن در شورای نگهبان، مجلس خبرگان، قوه قضائیه، عقیدتی-سیاسی‌های نیروهای نظامی و انتظامی، نمایندگی در استان‌ها و دانشگاه‌ها و قوای نظامی، و حضور در همه سطوح قانونگذاری، سیاستگذاری و تصمیم‌گیری؛ این امتیازات در قانون اساسی شکل قانونی پیدا کرده‌اند و در عالم واقع نیز با استفاده از اقتدار حکومت جنبه نهادی به خود گرفته است.

۲. تسلط روحانیون بر منابع ثروت جامعه از طریق مصادره‌ها، واگذاری بنیادها و شرکت‌های دولتی به آن‌ها و اعضای خانواده‌شان، کسب بالاترین درآمدها در بخش‌های دولتی و عمومی، اخذ مجوزهای واردات و صادرات از طریق ارتباطات ویژه، کسب بخش قابل توجهی از ارز کشور از طریق رانت به شرکت‌هایی که تحت نظر روحانیون و اعضای خانواده آن‌ها اداره می‌شود و دریافت بخش قابل توجهی از بودجه‌های فرهنگی و

آموزشی کشور.

۳. امکان تحمیل سبک زندگی خود به جامعه ایرانی با اتکا بر درآمدهای نفتی و قوای قهریه، خواسته‌ای که روحانیت شیعه دهه‌ها آرزویش را داشت. روحانیون امروز بلندترین صدا را در جامعه دارند و هر جا احساس می‌کنند صدای‌شان بلندترین صدا نیست با اتکا بر نیروهای شبه نظامی و نظامی گستره عمومی را به قرق خویش در می‌آورند.

۴. رهاشدن از رفتن به خانه‌های مردم برای روضه خوانی و گرفتن چند ریال یا چند تومان برای ارتزاق (روحانیون سطح پایین) در کنار رجوع مردم برای دادن خمس جهت پاک کردن اموال‌شان به هنگام سفر حج (روحانیون سطح بالا)؛ کسانی که بنا به باورهای دینی هرساله خمس می‌پرداختند، بسیار اندک بودند. بدین ترتیب روحانیت از لحاظ مالی مجبور بود چشم به دستان مردم داشته و در هر موضوعی بدان‌ها وابسته باشد.

اما خمینی و نظریه ولایت فقیه‌اش در کنار چیزهایی که به روحانیت (همه روحانیون اعم از آن‌ها که با خمینی بودند یا علیه او بودند، آن‌ها که به ولایت فقیه باور داشتند یا نداشتند) داد چیزهایی را نیز از آن‌ها گرفت:

۱. روحانیت شیعه به طور تاریخی، نه نظام اخلاقی داشت و نه به نظام حقوقی خاصی قائل بود. روحانیون شیعه شریعت را هم نظام حقوقی و هم نظام اخلاقی خود تصور می‌کند. قرار گرفتن قدرت مطلقه در دست گروهی که نه به حاکمیت قانون باور داشته و نه نظام اخلاقی خاصی را دنبال می‌کردند، آن‌ها را به سرعت فاسد ساخت. کم‌تر روحانی در حکومت می‌توان یافت که از قدرت سوء استفاده نکرده باشد (از رد کردن فرزندان از سد کنکور تا تفکیک اراضی شهری بر اساس ارتباط با مقامات شهرداری‌ها، از سفر خارجی بی‌ربط برای گرفتن ارز تا وام بانکی کم بهره، از خرید ارزان املاک مصادره‌ای تا مسافرت تفریحی با جیب مردم، از بالا رفتن از پله‌های قدرت با حذف رقبا تا استفاده از منابع عمومی برای

امور شخصی) چون در شریعت، هیچ مانعی بر سر این کار وجود ندارد! در چارچوب شریعت ایدئولوژیک شده خمینی همه اموال عمومی در اختیار ولی فقیه و نمایندگان او است و آن‌ها می‌توانند آن را چنان که می‌خواهند به مصرف برسانند. چون ثروت عامل در اختیارگرفتن قدرت است، بنابر این ثروت باید در اختیار وفاداران به حکومت به هر قیمت و روش باشد.

۲. خمینی با مسلط کردن روحانیون بر کشور بدون آمادگی اخلاقی و حقوقی آن‌ها اعتمادی را که سال‌ها بخشی از روحانیون در میان مردم کسب کرده بودند، به باد فنا داد. اکثریت روحانیون قبل از تأسیس جمهوری اسلامی با نظریه ولایت فقیه مخالف بودند؛ خمینی مزه قدرت را به روحانیت شیعه چشاند و در مقابل، اعتماد عمومی را از آن‌ها سلب کرد. جمهوری اسلامی رابطه روحانیون با شهروندان به عنوان واعظ و خطیب، مسئله‌گو و مشاور را مختل ساخت. قبل از انقلاب ۵۷ و تأسیس جمهوری اسلامی روحانیون در کنار دانشگاهیان و معلمان از اقشاری بودند که مردم به آن‌ها اعتماد بالایی داشته و مورد رجوع آن‌ها قرار می‌گرفتند (گروه مرجع بودند)؛ اما پس از چند سال که از تأسیس جمهوری اسلامی گذشت آن‌ها چنین موقعیتی را از دست دادند.

۳. خمینی روحانیت را که در دوران قاجار و پهلوی یک نهاد نیمه‌مدنی و تا حدودی مستقل بود (استقلال اداری و سازمانی داشت و منابع عمومی دولتی نیز بخش قابل توجه منابع مالی آن نبود) به بخشی لاینفک از حکومت تبدیل و بسترهای تبدیل آن به زائده‌ای از حکومت را فراهم کرد. البته او در دوران خود کلید این امر را زد، اما آن را به پایان نرساند. علی‌خامنه‌ای پروژه‌ای را که خمینی آغاز کرده ولی نتوانسته بود در دوران جنگ به انجام برساند، تکمیل کرد. این روند نیز برای حفظ قدرت ناگزیر بود؛ چون رهبر دوم و رهبران بعدی نمی‌توانستند بر کاریزمای دوران انقلاب اتکا داشته و باید دیوانسالاری

دولتی دینی را بسط می‌دادند. در دوران خامنه‌ای روحانیت و دیگر نهادهای دینی از حیث اداری، مالی و سازمانی به بخشی جدانشدنی از حکومت تبدیل شدند!

## پیشنهادها

### ■ پاسخ‌اجمالی:

۱. «روحانیت» یک طبقه نیست، بلکه یک صنف اجتماعی است. چیزی به نام روحانیت وجود ندارد؛ آنچه وجود دارد، روحانیان و سازمان روحانیان است. بنابر این هر روحانی به مثابه یک فرد انسانی، مسئول رفتارهای خوب و بد خویش است و نمی‌توان رفتارهای بد و نادرست برخی از روحانیان را به پای همه آنان نوشت. صنف روحانی، یکی از پاک‌ترین و سالم‌ترین اصناف کشور است که سالم‌ترین ارتباط‌های اقتصادی و فرهنگی را با طبقات و گروه‌های اجتماعی دارد. در حال حاضر بیش از ۹۸ درصد روحانیان، منصب سیاسی نداشته و تنها به امور علمی و تبلیغی دینی مشغول‌اند؛ مضاف بر اینکه بسیاری از روحانیان شاغل در مناصب حکومتی نیز، افراد سالم و درستکاری هستند.

۲. نهادهای سیاسی و حقوقی جمهوری اسلامی براساس مبانی فقه شیعه و اصول قانون اساسی تشکیل شده و هیچ‌گونه امتیازی برای صنف روحانیان، به عنوان روحانی ایجاد نشده است. امتیاز در جایی معنا دارد که فردی، صرفاً به سبب انتساب به یک گروه یا طبقه اجتماعی، از بهره‌های مادی و امتیازات قانونی برخوردار باشد؛ در حالی که اشتغال در پست‌هایی مانند رهبری، فقیهان شورای نگهبان، اعضای مجلس خبرگان، رئیس قوه قضائیه و غیره تنها به سبب تخصص‌های لازم فقهی - حقوقی است، نه انتساب به سازمان روحانیان! امروزه در همه کشورهای به اصطلاح دموکراتیک، مناصب حکومتی بر اساس شایستگی‌های دانشی و تجربی تخصیص می‌یابد؛ مثلاً همواره قضات و مقامات

عالی رتبه قضایی، از میان حقوق دانان انتخاب می‌شوند یا فرماندهان و مقامات عالی رتبه نظامی و انتظامی از میان نظامیان و انتظامیان انتخاب می‌شوند، ولی کسی نمی‌گوید که مثلا حقوق‌دانان و نظامیان و انتظامیان از امتیاز ویژه در تصدی مناصب مذکور برخوردار شده‌اند!

۳. متهم ساختن همه روحانیان با عنوان «روحانیت»، به رانت خواری و تسلط و استفاده نامشروع از منابع مالی کشور، اتهام سخیف و باطلی است که نویسندگان چنین متن‌هایی نمی‌توانند برای آن اسناد معتبری ارائه کنند. اینگونه سخنان، نوعی پروپاگاندای سیاسی - تبلیغی برای اعتبارزدایی از جایگاه روحانیون در جامعه است. امروزه اکثریت قریب به اتفاق روحانیان در کنار مردم و با مردم زندگی می‌کنند و خود مردم از نزدیک شاهد سطح برخورداری آنان از مواهب مادی و امکانات زندگی هستند. روحانیان معمولا با اقشار مختلف جامعه به اشکال مختلف ارتباط دارند و چیزی از زندگی آنان بر مردم مخفی نیست. آری! ممکن است برخی از کسانی که لباس روحانی به تن کرده‌اند، به ناحق از رانت یا امتیازی استفاده کرده باشند، اما این امر درباره اکثریت نزدیک به تمام روحانیان نادرست است.

۴. وظیفه اصلی روحانیان، فهم، تفسیر، تبیین، تبلیغ و اقامه معارف، آموزه‌ها و احکام اسلامی در جامعه است. اساسا کارویژه اصلی روحانیان، بسط سبک زندگی اسلامی از طریق حکمت، موعظه نیکو و جدال به نیکوترین روش، در میان مردم است! شکل‌گیری سبک زندگی، فرایندی انتخابی و تدریجی است و نمی‌توان آن را به واسطه زور به مردم تحمیل کرد؛ آنچه قابل تحمیل، بلکه تحمیلش لازم است، صرفا پیشگیری از برخی از منکرات شدید و زشت مانند، زنا، مشروب‌خواری، دزدی، برهنگی و امثال آن در ساحت عمومی جامعه است. اکثریت مردم ایران، با وجود تفاوت‌هایی در نگرش‌ها،

علائق و سلايق، مسلمان و خواهان رعايت حدود الهی‌اند و قوانين جمهوري اسلامي ايران برآيند اراده سياسي و حقوقي مردم ايران است.

۵. برخلاف تبليغات غيرواقعي امثال شبهه‌کننده، در حال حاضر اکثر قريب به اتفاق روحانيان، زندگي خود را با استفاده از وجوهات شرعي، تبليغ، نوشتن کتاب، تدريس در حوزه و دانشگاه تأمين مي‌کنند. روحانيان شاغل در ادارات دولتي، شمارانديکي از جامعه روحانيان را تشکيل مي‌دهند. فساد اخلاقي يا اقتصادي برخي از روحانيان، ارتباطي به سازمان و صنف روحانيت ندارد. روحانيان نيز مانند ديگر انسان‌ها ممکن است به هرعلتي گرفتار وسوسه نفس و فريب شده و دست و دامن خويش را به فساد و ناراستي بيآليند؛ بنابر اين تعميم مفسد برخي از پوشندگان لباس روحانيت، به همه روحانيان، غيراخلاقي و ناجوانمردانه است.

۶. کاهش کمي و کيفي اعتبار و اعتماد اجتماعي روحانيان در ميان بخش‌هايي از مردم قابل انکار نيست. اعتماد و اعتبار اجتماعي وضعيتي پيچيده و داراي ابعاد مختلف است. اساسا هيچ فرد يا گروهی نمی‌تواند به صورت دائم از اعتبار و اعتماد اجتماعي کامل برخوردار باشد؛ زيرا زمينه‌ها و عوامل تأثيرگذار بر اعتبار و اعتماد عمومي، خصوصا در زمان ما، بسيار متکثر و چند لايه است. براي کساني که اکنون در ميان مردم ايران زندگي مي‌کنند، روشن است که روحانيان هنوز هم جزء مراجع اجتماعي و مورداعتماد و احترام بخش‌هاي زيادي از مردم‌اند.

در تبين چرایی کاهش سطح اعتبار و اعتماد به روحانيان می‌توان به زمينه‌ها و عللی مانند شبکه‌های اجتماعي و اعتباريافتن سلبريتي‌ها، نارضايتي‌هاي معيشتي، عملکرد نامناسب برخي از روحانيان داراي منصب سياسي يا اجتماعي، تبليغات شديد و ناجوانمردانه دشمنان اسلام و کشور عليه نظام اسلامي و روحانيت، روند مدرن شدن جامعه و پيدایش

نهادهای جدیدی که دامنه کارویژه‌های پیشین روحانیان را در قالب‌های جدید انجام می‌دهند (مثل نهاد مشاوره، نهاد حل اختلاف، فرهنگسراها و غیره)، تغییر نگرش‌ها، باورها و ارزش‌های بخش‌هایی از جامعه در اثر ارتباط با جهان غرب و ... اشاره کرد. تحولات اجتماعی اموری پیچیده است که نتایج و پیامدهای مثبت و منفی خود را بر جامعه تحمیل کرده و تا حد زیادی قابل پیشگیری و کنترل نیست. از این رو نمی‌توان روحانیان را به سبب کاهش اعتماد و اعتبار اجتماعی سرزنش و این امر را صرفاً به عملکرد نامناسب برخی از آنان ارجاع کرد. جریان ضدانقلاب با درک اهمیت جایگاه و نقش روحانیان در ایجاد و تداوم نظام اسلامی و حفاظت از موجودیت و منافع ملت ایران، راهبرد تضعیف اعتبار روحانیت را در دستور کار همیشگی خود قرار داد و به شیوه‌های گوناگون همواره در صدد آسیب‌زدن به اعتبار روحانیت و اعتماد عمومی به این سازمان مردمی است.

۷. سازمان روحانیت شیعه از ابتدای شکل‌گیری در عصر امامان علیهم السلام تاکنون همواره ماهیتی مردمی داشته و از لحاظ مادی و انسانی توسط مردم اداره شده است. روحانیان فرزندان همین ملت‌اند و هزینه‌های زندگی آنان توسط همین مردم تأمین می‌شود. مدیریت حوزه‌های علمیه به عنوان نهاد آموزشی و پژوهشی سازمان روحانیت، توسط مراجع معظم دینی و شورای عالی حوزه‌های علمیه صورت گرفته و هیچکدام از دستگاه‌های حکومتی در برنامه‌ریزی و اداره آن دخالتی ندارند. رابطه نظام جمهوری اسلامی و حوزه‌های علمیه، رابطه‌ای دو سویه است؛ این دو نهاد در عین حفظ استقلال خود برای پیش برد اهداف نظام اسلامی به هم کمک می‌کنند و بی‌ارتباطی و استقلال کامل این دو نهاد از هم، نه تنها ممکن نیست؛ بلکه به زیان جامعه است. جمهوری اسلامی نهادی برآمده از طرح امامت و فقاقت است و همچنانکه در مرحله شکل‌گیری، به حمایت و هدایت علمی، عملی و نظارتی حوزه علمیه وابسته

بود، در مرحله بقا و تداوم نیز به حمایت و نظارت علمی و عملی حوزه‌های علمیه متکی است. از سوی دیگر، نظام سیاسی هم باید حمایت‌های لازم را در جهت تأمین نیازمندی‌های حوزه‌ها و تداوم و افزایش رونق علمی و تحقیقی آن انجام دهد؛ همچنانکه اینگونه حمایت‌ها از همه نهادهای علمی و فرهنگی غیرحوزوی نیز صورت گرفته است.

### ■ منابع جهت مطالعه:

- دبیرخانه شورای عالی حوزه‌های علمیه، حوزه و روحانیت در نگاه رهبری، جلد اول و دوم، قم: مدرسه عالی دارالشفاء
- محمدرضا حکیمی، هویت روحانیت،
- امام خمینی، منشور روحانیت، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- محمد عالم زاده نوری، لباس روحانیت، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- علی صفائی حائری، معرفت دین، جامعه دینی، حکومت دینی، قم: انتشارات لیله القدر
- علی اصغر همتیان، محمد جعفر امامی، احمد فربهی، رسالت سازمان روحانیت، قم: فقاقت
- محمد علی اخلاقی، شکل‌گیری سازمان روحانیت شیعه، تهران: انتشارات شیعه‌شناسی.

### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

آشناسازی نسل جوان با وجوه ظاهری و معنوی زندگی رهبران روحانی بزرگ؛ شرایط درستی به خبرنگاران به اطلاعات مربوط به دادگاه‌های ویژه روحانیت، با هدف افزایش اعتماد؛ خنثاسازی تبلیغات دشمن درباره بودجه مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه و مقایسه آن با بودجه‌های مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی.



## روحانیت و مسئله آزادی خواهی

**موضوع عام:** روحانیت

**موضوع خاص:** کارکردهای روحانیت

**شبهه کننده:** محمود خادمی

**منبع شبهه:** سایت ایران گلوبال

<http://www.iranglobal.info>

**هدف‌های احتمالی:** اعتبارزدایی از هویت صنف

روحانی، متهم ساختن روحانیت به خرافه‌سازی،

اتهام صغیرپنداری مردم به روحانیت برای ایجاد

دشمنی و بدبینی به روحانیت.

**نمایه‌ها:** روحانیت، ولایت فقیه، امامت.

شناسه شبهه

### متن شبهه

۱. در طول تاریخ، آخوندها و روحانیون شیعه با دروغ، فریب و جعل اخبار و احادیث از امامت امامان شیعی به عنوان امری قدسی و آسمانی یاد کرده و مقام و منزلت امامت را در جایگاهی بسیار فراتر از نبوت قرار داده است. از دیدگاه روحانیت مردم حالت یتیمی را دارند که پدر ندارد و علما می‌بایست به جای امامان از مردم کفالت کرده و امور آنان را عهده‌دار شود؛ مانند قیّمی که بعد از فوت پدر متکفل اداره امور ایتم کوچک می‌شود.

۲. قرآن به دلیل برخورداری از تناقضات و دوگانگی‌ها، ابزاری برای استفاده آخوندها قرار گرفته است. علاوه بر اینکه مذهب شیعه آمیخته با خرافات آخوندها است.

۳. امتزاج دین و سیاست همانگونه که امروزه شاهد آن هستیم؛ جز تباهی و فساد برای مردم و کشور، نتیجه دیگری در بر نداشته است. در این نظام فکری؛ قانون‌گذاری متعلق به خداوند است و انسان حق قانونگذاری ندارد.

۴. فتوا از مظاهر و نمادهای آشکار استبدادی است که در یک حکومت دینی از طرف مراجع و صاحبان فتوا بر مردم تحمیل می‌شود.

## پیشنهادها

### ■ پاسخ‌اجمالی:

۱. نهاد امامت، طرحی است که خدای متعال برای امتداد رسالت پیامبران در هدایت و راهبری فرد و جامعه انسانی به سوی کمال معنوی - اخلاقی و سعادت حقیقی مقرر داشته است. مسأله امامت ریشه در قرآن کریم و سنت پیامبر دارد. علاوه بر برهان‌های عقلی، ده‌ها آیه، صدها روایت از پیامبر و امامان علیهم السلام، تاکنون هزاران کتاب و رساله درباره مسأله امامت نگاشته شده است. بنابر این مسأله مهمی مانند امامت که بنیادها و مسائل مربوط به آن در تاریخ اسلام هزاران حادثه و تحول رقم زده را نمی‌توان به سادگی به جعل و ساختگی بودن متهم ساخت.

۲. در برخی از روایات رسیده از ائمه علیهم السلام، نقش عالمان ربانی و فقیهان دین‌شناس، در دوران غیبت، به مراقبان مهربانی تشبیه شده که در هنگام جدایی شیعیان از امام معصوم، به عنوان پدر معنوی مردم، از آنان در برابر تحولات فکری گمراه‌کننده، تحریفات دینی و انحرافات عملی حمایت کرده و با راهبری و هدایت خود آنان را از تسلط شیطان و نیروهای گمراه‌کننده محافظت می‌کنند. این تشبیه به معنای کم‌عقل یا سفیه بودن مردم نیست؛ بلکه از این جهت است که چون امام با اتصال به منبع وحی نبوی می‌تواند جامعه را از انحرافات، که عقول عادی مردمان امکان درک آن را ندارد و یا درک آن برای عقول عادی، دشوار است، محافظت کرده و جامعه انسانی را به سلامت به مقصد برساند، همچنین در دوران غیبت امام، عالمان ربانی، به سبب آشنایی با معارف دین و برخورداری از نزاهت معنوی و عدالت اخلاقی، صالح‌ترین افراد برای عهده‌داری جایگاه امامت

و دفاع از مردمان در برابر تحریف‌گران دین و مفسدان فکری و اخلاقی جامعه‌اند.

۳. متهم ساختن طرح امامت و ولایت فقیه به نگرش صغیرپندارانه مردم، با هدف اعتبارزدایی و تردیدافکنی در ذهن مردم درباره این نهادهای مهم دینی - اجتماعی است. روشن است که امور جامعه با مشارکت، همکاری و همفکری همه آحاد مردم سامان یافته و به پیش می‌رود و حضور آگاهانه و مسئولانه مردم، مهم‌ترین شرط موفقیت و اصلاح امور است. در همه جوامع انسانی، برخی از مردم عهده‌دار سیاستگذاری‌ها و مدیریت‌های کلان جامعه‌اند و با هدایت، مدیریت، ایجاد انگیزه و ساماندهی نیروهای اجتماعی، هدف‌های جامعه را دنبال می‌کنند. کارنامه جمهوری اسلامی به عنوان تنها نظام اسلامی در جهان کنونی به خوبی نشان می‌دهد که رهبران روحانی این نظام تا چه اندازه به بلوغ مردم و مشارکت فعال آنان در پیشبرد و تحقق اهداف جامعه و نظام اعتقاد داشته‌اند.

۴. ضرورت وجود حکومت و اطاعت از رهبران سیاسی صالح حکم عقل عملی فطری است. همه عقلا درک می‌کنند که وقتی افرادی را برای برعهده گرفتن مناصب سیاسی و مدیریتی پذیرفتند، باید به آنان اعتماد کرده و با آنان همراهی و همکاری کنند.

۵. انتخاب نوع حکومت و سازوکار تصدی مناصب حکومتی در هر جامعه بر اساس سنت و فرهنگ آن جامعه صورت می‌گیرد. حتی در جوامع به اصطلاح دموکراتیک (مردم‌سالار) همه افراد در یکایک امور دخالت نمی‌کنند و تشخیص درست و غلط و چگونگی استفاده از نیروها و مدیریت روندها را به مسئولان نظام سیاسی مقبول خود می‌سپارند و هیچ کس هم آنان را به صغارت و کوچکی متهم نمی‌کند؟!

۶. در نظام اسلامی امام جامعه و ولی فقیه از یک سو به معارف و احکام دین متکی است و از دیگر سو

به مشاورت و رایزنی با مردم، تکریم و احترام<sup>۱</sup> به آنان ملزم است تا با تکیه بر نیروی اجتماعی مؤمنان بتواند هدف‌های دین در آبادانی دنیا و آخرت جامعه را محقق سازد<sup>۲</sup>. تشبیه ولایت فقیه به ولایت پدر بر کودک صغیر، مغالطه سخیفی است!

### ■ منابع جهت مطالعه:

- محمد سروش، دین و دولت در اندیشه اسلامی، انتشارات مجلس خبرگان
- امام خمینی، ولایت فقیه، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- علی صفایی حائری، معرفت دینی، جامعه دینی، حکومت دینی، انتشارات لیله القدر
- مهدی هادوی تهرانی، حکومت دینی، انتشارات رواق حکمت
- [www.khamemei.ir](http://www.khamemei.ir)

• محمدتقی مصباح یزدی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها درباره حکومت اسلامی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

آشناسازی نسل جوان با نظرات امام خمینی و مقام معظم رهبری درباره نقش مردم در شکل‌گیری و تداوم نظام اسلامی، معرفی خدمات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در ایجاد نقش فعال مردم برای مشارکت در حکمرانی.

۱. امام علی علیه السلام در تبیین حقوق و وظائف متقابل حاکم و مردم می‌فرماید: «ای مردم، همانگونه که من بر شما حقی دارم، شما نیز بر من حق دارید. حق شما بر من آن است که همواره در رهنمودهای خالصانه نسبت به شما بکوشم. و در تأمین رفاه در زندگی همگانی، تمامی وسایل ممکن را فراهم سازم و در تربیت و تعلیم همگان در سطح گسترده کوتاه نیایم. و در نظارت بر رفتار و کردار شما - بر نهج حق - پیوسته هوشیار و هشداردهنده باشم. و اما حق من بر شما آن است که در پیمان خود نسبت به ولی امر وفادار باشید، و در کاستی‌ها و ناهمگونی‌ها که أحياناً پیش می‌آید، خالصانه پیش‌قدم شوید، در حضور و غیاب دولتمردان در رفع و تذکر دادن به مسؤولین مربوط بکوشید. و دستورات صادره را در تمامی ابعاد سیاستگذاری دولت، با جان و دل پذیرا باشید. و هرگاه - در پیش‌آمدها - فراخوانده شوید، بی‌درنگ اجابت کنید.» (نهج البلاغه خطبه ۳۴)

۲. «فبما رحمه من الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضتوا من حولك فاعفو عنهم واستغفر لهم وشاورهم في الامر...» (آل عمران: ۱۵۹).

## روحانیت و انکار تاریخ و هویت ایرانی

موضوع عام: روحانیت

موضوع خاص: روحانیت و هویت ایرانی

شبهه کننده: باران بهاری

منبع شبهه: سایت فضول محله

<http://www.fozoolemahaleh.com>

هدف‌های احتمالی: ایجاد بدبینی نسبت به

روحانیت و اسلام، ایجاد گسست میان نسل

جوان و روحانیت، ایجاد و تقویت تضاد میان

اسلام و ایران.

نمایه‌ها: فرهنگ ایرانی، تمدن ایرانی، روحانیت،

آخوند، اسلام.

شناسه شبهه

### متن شبهه

۱. بزرگ‌ترین هدف رژیم اسلامی ایجاد یک فرهنگ جعلی و ایجاد گسست فرهنگی میان نسل‌ها است. فرهنگی که باید از نسلی به نسل دیگر انتقال یابد، فرهنگی که شامل هنر، تاریخ و آداب و رسوم ایرانی است، مورد دشمنی رژیم ولایت فقیه است.

۲. رژیم ولایت فقیه یک هویت جعلی اسلامی را برای ایران تدارک دیده تا با گسستن نسل‌های آینده از گذشتگان، هویت ایرانی را نابود ساخته و به هویت جعلی اسلامی-عربی تبدیل کند.

۳. آخوندها از اسلام و فرهنگ عرب نان می‌خورند. اگر مردم ایران به جای روضه خوانی، شاهنامه خوانی کنند و به جای عزاداری به رقص و جشن بپردازند، طبیعتاً دکان آخوند تخته خواهد شد. از این رو است که هر نکته از هویت ایران بدون اسلام را حذف و شادی مردم و جشن‌های ملی و میهنی را سانسور می‌کنند.

۴. آخوندها به جای داستان‌های زیبای ایرانی، به جای تاریخ زیبای ایرانی، به ما تاریخ امامان عرب و فرهنگ

عزاداری و بر سر کوبی را داده‌اند؛ چرا؟ چون نان آخوند و رژیم اسلامی در این جعل تاریخ و جعل فرهنگ است!

## پیشنهادها

### ■ پاسخ اجمالی:

۱. مجموعه نظام اسلامی، به ویژه رهبران آن، حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری، همواره حافظ فرهنگ اصیل ایرانی، اعم از هنر، آداب، تاریخ، آثار باستانی و زبان فارسی بوده است. زنده بودن آیین‌های ایرانی مانند عید نوروز، شب یلدا، حمایت از هنرهای دستی، زنده بودن آداب و رسوم محلی اقوام ایرانی، چاپ مکرر و تحقیقات متعدد درباره گنجینه ادبی شاعران و نویسندگان ایرانی (مانند شاهنامه، دیوان حافظ، بوستان و گلستان سعدی و آثار دیگر شاعران و نویسندگان پارسی زبان) و حمایت از شعر ایرانی، حفظ زبان فارسی و تلاش برای گسترش آن، تنها نمونه‌هایی از خدمات نظام اسلامی و روحانیت به فرهنگ ایرانی است.

۲. خواهی یا نخواهی اسلام یکی از مهم‌ترین، بلکه مهم‌ترین عنصر فرهنگ ایرانی است. اسلام و ایران مانند روح و کالبد در هم تنید و جدانشدنی‌اند. این دو هویت بزرگ تاریخی، همواره مناسبات و خدمات متقابل فراوانی داشته‌اند. خدمات اسلام به ایران آنچنان است که می‌توان ایران پیش از اسلام و پس از آن را دو ایران متمایز و متفاوت دانست! برانداختن نظام طبقاتی، برجیدن نظام مهتری اشراف و بردگی توده‌ها، نفی دوگانه‌پرستی و تقدیس آتش و آتشکده، رفع تحقیر زنان و تبعیض‌های اجتماعی و رشد علم و عالمان تنها بخشی از خدمات اسلام به ایران است. از دیگر سو ایرانیان نیز با تمام وجود اسلام را پذیرفته و در راه بسط و تعمیق فرهنگ اسلامی از جان مایه گذاشتند. ایرانیان در طول تاریخ هرگز میان فرهنگ اسلامی و فرهنگ ایرانی دوگانگی و تضادی احساس

نکردند و به همین سبب این دو فرهنگ همواره مکمل و پشتیبان یکدیگر بوده‌اند.

۳. تأکید انحصاری بر فرهنگ ایرانی و طرد فرهنگ اسلامی، نوعی ناسیونالیسم افراطی و فاشیستی است و بیش از آنکه به سود ایران و ایرانی باشد، به زیان آن است. فرهنگ اسلامی دارای عناصر بسیار مهم و ارزش‌مندی مانند توحید، عدالت و مبارزه با ظلم، تقدیس علم، جامع‌نگری به دنیا و آخرت، عقلانیت و غیره است که فرهنگ ایرانی را تقویت و بر غنای آن بسی افزوده است. در مقابل، عناصری مانند سلحشوری، پهلوانی، اهتمام به هنر (شعر، داستان، نقاشی، هنرهای دستی و غیره)، احساس، زیبایی‌شناسی، آداب دانی و صلح‌دوستی از عناصر برجسته فرهنگ ایرانی است که در کنار فرهنگ اسلامی، مجموعه با شکوه و بی‌نظیری از تجلی حقیقت انسانی را پدید آورده است.

۴. ایران پیش از اسلام جامعه‌ای طبقاتی و پراز تبعیض، فقر، ستم و عقب‌ماندگی علمی بوده است. در جامعه‌ای که تنها فرزندان درباریان و موبدان حق تحصیل علم داشته و توده مردم می‌بایست برای تأمین زندگی مسرفانه اشراف و شاهزادگان، دهقانی کنند، هرگز جای فراخی برای شادی، رقص و پای‌کوبی وجود نداشته است. برخی از ناسیونالیست‌های افراطی چنان از شادی و سرمستی مردمان ایران باستان سخن می‌گویند که هرکس با تاریخ ایران آشنا نباشد، تصور می‌کند که مردم ایران پیش از اسلام، مردمانی ثروتمند و بیکار بوده و در تمام طول سال جز شادی، رقص، پایکوبی و دست‌افشانی کاری دیگری نداشته‌اند!

تاریخ ایران در عین برجستگی‌های انسانی توده‌های مردمان، جز در موارد کم‌شمار، همواره تاریخی غمگین و زخمی از جنگ‌ها، تجاوزها، خون‌ریزی‌ها و بی‌عدالتی‌ها بوده است!

۵. آیین‌های ایرانی معمولا نمادها و نموده‌های

عشرت‌طلبی و خوشگذرانی شاهزادگان و اشراف‌زادگان بیکار و بی‌خاصیت برای پرکردن اوقات پرفراغشان بوده است. اگر امروزه همه مردم می‌توانند در شادی‌های آیینی و اجتماعی مشارکت کنند، تنها به برکت فرهنگ توحیدی و عدالت محور اسلام، به ویژه با خوانش اهل بیت علیهم السلام است که نه تنها برای هیچ شخص و گروهی در بهره‌مندی از مواهب زندگی امتیاز ویژه‌ای قائل نیست، بلکه همگان را فرزندان آدم و بندگان خدا دانسته و ملاک و معیار برتری انسان تقوا و عمل صالح معرفی کرده است.

۶. شادی و غم، خنده و گریه و دست‌افشانی و سوگواری، همه مظاهر آگاهی، وجدان و عاطفه انسانی است. به همان اندازه که شادی، خنده و دست‌افشانی در سلامت روانی فرد و جامعه اثر دارد، غم، گریه و سوگواری نیز در معناداری، تعادل روانی، پالایش ذهنی و تبلور وجدان و احساس انسانی مؤثر و ضروری است. بنابر این تأکید افراطی بر شادی، خنده، رقص و دست‌افشانی و تحقیر غم، گریه و سوگواری، بیش هرچیز، نوعی شیدایی مرضی را ترویج می‌کند!

۷. روحانیت، تنها جریان اصیل اجتماعی ایرانی است که در اعماق تاریخ این سرزمین ریشه داشته و شناسنامه روشنی دارد. روحانیان همواره حامل سنت و فرهنگ اصیل اسلامی - ایران و خاستگاه تحولات مهم در تاریخ این سرزمین بوده‌اند. جداناپذیری روحانیت از پیکره جامعه ایرانی، مانند جداناپذیری اسلام از این پیکره است. تا پیش از شکل‌گیری دانشگاه در ایران اکثر دانشمندان علوم طبیعی، علوم دینی، علوم اخلاقی، فیلسوفان و اکثر شاعران و هنرمندان ایرانی، روحانی بوده‌اند. مرور تاریخ کهن روحانیان شیعه به خوبی نشان می‌دهد که برخلاف تصور باطل‌اندیشان، این صنف اجتماعی اگر نگوئیم تنها عامل پیوست فرهنگ و سنت در نسل‌های پیاپی ایرانی بوده، یقیناً مهم‌ترین عامل بوده است!



### ■ منابع جهت مطالعه:

- شهید مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم: انتشارات صدرا
- عبدالحسین زرین کوب، بامداد اسلام، تهران:
- عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام، تهران:
- امام خمینی، کشف الاسرار، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- عبدالحسین زرین کوب، تاریخ مردم ایران.

### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

تشویق نسل جوان به تاریخ‌خوانی، ساخت و انتشار مستندها، عکس‌نوشت‌ها و پادکست درباره تاریخ باستان؛ خدمات اسلام به ایران و ریشه‌های آیین‌های ایرانی، معرفی و برگزاری مسابقات فرهنگ کتاب‌خوانی با موضوع تاریخ ایران و اسلام برای نوجوانان و جوانان.

## آیا علم دینی وجود دارد!

موضوع عام: روحانیت

موضوع خاص: علم دینی

شبهه کننده: باران بهاری

منبع شبهه: محمدعلی مهرآسا

<http://www.jebhemelli.net>

هدف‌های احتمالی: اعتبارزدایی از علوم دین

و جایگاه روحانیت.

نمایه‌ها: امامه به سر، روحانیت، علوم دینی،

علوم تجربی.

شناسه شبهه

### متن شبهه

۱. علم یا آگاهی به مطالب دینی را نباید با علم حقیقی و دانش‌های تجربی اشتباه گرفت. در جهان، علم دینی وجود ندارد و هیچ یک از دین‌ها جز تخیل محض هیچ مطلبی در دامنه دانش و اندیشه ندارد. به همین قیاس در دین اسلام نیز علم دینی نداریم و آنچه در دین‌ها به نام علم مطرح است، دانش نیست، بلکه نوعی آگاهی به مطالبی است که صحت و سقمش مشکوک و حتا موهوم است. حتا موجودیت پیامبران جز محمد، همه وهمی و تخیلی بوده و مشکوک است. مثلا موسی به طور یقین موجودی مشکوک و لاوجود و ساخته قوم یهود است.

۲. وقتی آخوندها و ملایان خود را عالم تصور کرده و خویشتن را به نام علما معرفی می‌کنند، کارشان اگر خدعه و نیرنگ نباشد، نشان نادانی و ناآگاهی از دانش است؛ زیرا علم ادیان نداریم و آن چه ملایان به نام شریعت ساخته و پرداخته‌اند همه ساخته ذهن بیمار و یا نیرنگ باز آن‌ها است؛ زیرا در زمان محمد و حتا دوران خلفای راشدین تا سال ۱۵۰ هجری قمری مبحثی به نام فقه و شریعت وجود نداشته که علم ادیان را بسازد و

مسلمانان با انجام رویه گذشتگان با مراتب و مسائل دین رو به رو می‌شدند.

به طور مثال آبی که ملایان به آن «آب کر» نام داده و اندازه و حجم آن را تعیین و خواصش را بی بو و بی‌رنگ تعریف می‌کنند، اگر محتوای نیم لوله آزمایش از سوش میکرب حصبه در آن ریخته شود، نه رنگش تغییر می‌کند و نه بوئی از آن استشمام می‌شود و آب همچنان زلال و صاف است؛ اما هر کس از آن آب، که به نظر شریعتمداران پاک و تمیز است، بنوشد، به بیماری حصبه مبتلا و امکان مرگش زیاد است. پس چنین علمی از بیخ، بی‌بنیاد و غیرقابل قبول است!

## پیشنهاد ها

### ■ پاسخ اجمالی:

۱. واژه «علم» (knowledge)، گاهی به معنای مطلق آگاهی و گاهی در معنای آگاهی از طریق خاص به کار می‌رود. مثلاً «علم تجربی» (science) به معنای آگاهی فراهم آمده از طریق احساس و تجربه است. همچنین «علم دینی» یعنی آگاهی حاصل شده از طریق مطالعه منابع دین (قرآن و سنت معصومان)؛ از سوی دیگر علم، گاهی یقینی و گاهی ظنی است؛ به عبارت دیگر گاهی آگاهی ما به چیزی، صددرصد با واقعیت آن، مطابق و گاهی احتمالاً مطابق است. بنابراین علم یقینی، مقدار محدودی از علوم بشر را به خود اختصاص می‌دهد و بیش‌تر علوم بشری، علوم ظنی است؛ یعنی با احتمال کم یا زیاد ممکن است با واقعیت، مطابق باشد.

۲. آشنایان با فلسفه علم به خوبی می‌دانند که علوم تجربی، که با روش تجربی به دست می‌آید، از سنخ علوم ظنی مادی است، زیرا اولاً محدود به شناخت پدیده‌های محسوس است و ثانیاً بر پایه استقرای ناقص حاصل می‌شود. به عبارت دیگر علوم تجربی یا محصول آزمون و خطای ناقص و تعمیم احتمالی نتیجه به موارد مشابه

و یا محصول نظریه‌پردازی است. بنابر این علم تجربی، اصطلاحاً علم است نه حقیقتاً! البته این سخن به معنای بی‌ارزش بودن علوم تجربی نیست، اما سخن در این است که علم تجربی نه علم خالص است و نه گستره آن نامحدود!

۳. علوم دینی بر پنج گونه است: (۱) علمی که پیامبر از طریق وحی، تعلیم فرشته یا کشف تام واقعیت مادی و معنوی تحصیل می‌کند؛ این علم، یقینی و خطاناپذیر است. البته متعلق این علم می‌تواند همه ساحت‌های هستی باشد، اما گستره آن، به حدودی محدود است که خداوند اراده کرده است. (۲) علمی که برخی از افراد از شخص پیامبر، بدون واسطه کسب می‌کنند و پیامبر، فهم و آگاهی آنان از واقعیت تعلیم‌شده را تأیید کرده است؛ مانند علمی که پیامبر درباره اصول و فروع دین، به امام علی علیه السلام آموخته و امام علی هم به برخی از فرزندان‌ش علیهم السلام تعلیم فرموده است. این علم نیز یقینی و خطاناپذیر است. (۳) علمی که دیگر انسان‌ها با روش تفسیری، یعنی مطالعه قرآن و حدیث نبوی و با استفاده از قواعد دستور زبان عربی و روش صحیح فهم قرآن به دست می‌آورند؛ این علوم گاهی یقینی و گاهی ظنی است. قسم یقینی در مواردی است که گزاره قرآنی، نص و صریح در توصیف مقصود باشد و قسم ظنی آن این است که احتمالات دیگری هم درباره مقصود خداوند داده شود، لیکن یکی از احتمالات، روشن‌تر و قوی‌تر باشد. (۴) علمی که انسان‌ها درباره اراده تشریحی خداوند از طریق عقل به دست می‌آورند. این علوم نیز گاهی یقینی و گاهی ظنی است. علوم عقلی، اگر یقینی باشد که هم معتبر و هم با واقعیت مطابق است و اگر ظنی باشد، در صورت، حصول روشمند، معتبر، اما ممکن است با واقعیت مطابق نباشد. (۵) فهم‌های سطحی و تفسیرهای مبتنی بر ذوق، سلیقه و تحمیل نظر و عقیده بر قرآن و روایات. قسم پنجم هم باطل و هم نامعتبر است.

بنابر این: ۱) ملاک علم بودن علم، تحصیل آن از روش صحیح است، نه یقینی بودن آن، که اگر چنین بود، علوم تجربی، یکسره ناعلم بود! ۲) از میان علوم دینی، تنها قسم پنجم، ناعلم و نامعتبر است و چهار قسم دیگر، اگرچه در برخی از اقسام، احتمالی و ظنی است، اما معتبر و قابل اعتماد است. ۳) علوم حوزوی از سنخ علوم عقلی و نقلی است و اگر کسی ادعا کند که علوم حوزوی موهومات است، می بایست اکثر علوم بشری مانند علم تاریخ، علم حقوق، علم لغت و ده‌ها علم دیگر را هم موهوم و باطل بداند. ۴) مبنای بند اول شبیه، پارادایم پوزیتویسم منطقی است که امروزه در فلسفه علم، اعتباری ندارد!

۴. مقصود از علوم دینی در حوزه‌های علمیه، آگاهی به مقاصد خداوند در قرآن و سنت معصومان علیهم السلام با روش تفسیری است. علم دینی، به اعتبار موضوعات و غایات آن، به علوم مختلفی مانند فقه، اعتقادات و اخلاق تقسیم می‌شود. خاستگاه همه علوم دینی آگاهی از اراده تکوینی و تشریحی خداوند با هدف تحصیل کمالات نظری و عملی است. بنابر این علوم دینی از قرآن کریم آغاز و به آن باز می‌گردد. البته گاهی مقصود از علم ادیان، آگاهی از تاریخ ادیان است که از بحث ما خارج و در علوم تاریخی بشری وارد می‌شود. خاستگاه علم دین و عالمان دین، خود قرآن کریم است که صریحاً به لزوم تفقه گروهی از مؤمنان در تعالیم دین در همه نسل‌ها تصریح کرده است: «فلولا نفر من کل فرقه طائفه لیتفقوهوا فی الدین...» (توبه: ۱۲۲)

۵. گویا شبیه‌کننده تفاوت میان علوم تشریحی اعتباری و علوم ناظر به واقعیت را نمی‌داند! علم فقه از علوم اعتباری است و احکام آن، محدود به حدودی است که شارع در نظر گرفته است، برخلاف علوم ناظر به واقعیت، که جعل و اعتبار در آن اثری نداشته و محدوده آن را واقعیت و تکوین معین می‌کند. بنابر این صحت وضو با آبی که ممکن است با ذره‌ای میکروب آلوده شود، نه از

لحاظ ویژگی‌های تکوینی، بلکه به ملاحظه اعتبار شرعی است و در همان محدوده صحت وضو و غسل اعتبار دارد نه برای نوشیدن! البته اگر اثبات شود که استعمال آب آلوده به میکروب حصبه در وضو یا غسل، برای بدن ضرر دارد، مثلاً ممکن است از طریق چشم وارد دستگاه گوارش شود، وضو گرفتن و غسل کردن با آن آب، به دلیل قاعده «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» حرام است. بر این اساس روشن شد که علوم دینی، اعم از فقه، عقائد و اخلاق، اگرچه به روش تجربی حاصل نمی‌شود، لیکن هم علم و هم معتبر است!

#### ■ منابع جهت مطالعه:

- شهید مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، انتشارات صدرا.
- عبدالله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، انتشارات مرکز علوم و حیانی اسرا.
- محمد تقی مصباح یزدی، علم دینی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- عبدالکریم سروش، علم چیست؟ فلسفه چیست؟
- شهید مرتضی مطهری، مسأله شناخت، انتشارات صدرا.

#### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

آشناسازی نسل جوان با علوم اسلامی و روش استنباط معارف دینی؛ گنجاندن سرفصل‌هایی از مباحث فلسفه علم در دروس دبیرستان و همه رشته‌های دانشگاهی؛ گنجاندن مباحث فلسفه علم تجربی و علوم اسلامی در دروس سطح حوزه؛ گنجاندن سرفصلهایی درباره علوم اسلامی در دروس دبیرستان با هدف آشناسازی دانش آموزان با ماهیت و روش علوم اسلامی.

## روحانیت سنجه رشد فرهنگی جامعه است

**موضوع عام:** روحانیت  
**موضوع خاص:** روحانیت و رشد فرهنگی  
**شبهه کننده:** مجهول  
**منبع شبهه:** رادیو زمانه  
**هدف‌های احتمالی:** اعتبارزدایی از صنف روحانی، تحقیر خدمات روحانیت، تضعیف باورها و انگیزه‌های دینی مردم، دین‌زدایی و دین‌ستیزی.  
**نمایه‌ها:** دین، روحانیت، فتوا، دینداری.

### متن شبهه

۱. شغل یا حرفه آخوندی از پیچیده‌شدن مجموعه دین، احساس عجز پیروان عادی از درک آموزه‌های آن و نیاز آنان به معلم و راهنما سرچشمه می‌گیرد. تصور کنید که قرار شود مجموعه آموزه‌های دین در این چند نکته بسنده شود که: «خدای تو فلان اسم را دارد و تو برای اینکه پیرو او شناخته شوی، باید به او و حضور غالب او در زندگی خود ایمان داشته و روزی فلان مرتبه رو به جانب مغرب ایستاده و بگوئی که ای خدای قادر متعال، تو را دوست دارم و ستایش می‌کنم و می‌دانم که تو نمی‌خواهی من به دیگران آزار رسانم و می‌خواهی به همه کمک کنم و دشمنی‌ها را تقلیل داده و بر دوستی‌ها بیافزایم؛ پس از تو می‌خواهم مرا در کارهایم کمک کنی تا خلاف میل تو قدمی برندارم؛ و اگر سهواً خطائی از من سرزد تو مرا به بزرگی خودت ببخش و پس از مرگ مرا بابت آن تنبیه مکن!» در این صورت چگونه ممکن بود که برای پیرو چنین دینی، به آخوند و مسجد نیاز افتد؟! مسئله در این است که شما هیچ دینی را پیدا نمی‌کنید که به همین مختصر اکتفا کند!

۲. تازه، اگر دین در همین چند گزاره ساده خلاصه شده بود، کنجکاو‌های شما از سرتان دست بر نمی داشت: «من، پس از ایمان به همین دین ساده، از کجا بدانم که وقتی رو به مغرب می ایستم باید لباس پاکیزه هم به تن داشته باشم یا نه؟ اصلاً آیا می توانم اول دمی به خمره بزنم و بعد به نیایش برخیزم؟ آیا این بی احترامی به خدای قادر متعال نیست که مستراح خانها را رو به مغرب بسازم؟ آیا بهتر نیست که قبل از شروع نیایش نطافتی هم بکنم و عطری هم به خودم بزنم؟ شما در این دین ساده‌ای که برایتان مثال زدم، پاسخ این پرسش‌ها را از کجا می آورید؟ آیا جایی است که همه اینگونه پرسش‌ها را جمع کرده و مثل یک فرهنگ لغت، برای هریک پاسخی در خور داشته باشد؟ نه!

۳. یکی از یاران پیامبر که به نمایندگی از سوی او به سفری دور می رفت، از او پرسید که من در آن دیار غربت اگر به پرسشی مبتلا شدم، چه باید بکنم؟ پاسخ پیامبر یک کلمه بیش تر نبود: «تفقه!» (tafaqhah!) یعنی «فهم‌ات را بکار انداز!» در این یک کلمه، که بعدها از دلش تمام فقه‌های اسلامی یکجا بیرون آمد، چه نکته‌های باریک‌تر از مو که می توان یافت. اما شما اگر حال و توان «تفقه» کردن نداشته باشید، خودبه خود، دنبال کسی می گردید که به جای شما این کار را انجام داده و برای پرسش‌تان پاسخی فراهم کند. هرپیامبری، هنوز چشمش را از جهان نبسته که سر و کله «فقها» پیدا شد. آن‌ها با در اختیار گرفتن کتاب و سنت و حدیث، مشغول «تفقه» می شده و این کار را طوری کش می دهند که خواب و خوراک و پوشاک و دنیا و آخرت ایمان آورندگان را پوشش دهد!

۴. کار فقها «استخراج احکام از منابع» است و برای این کار روش‌ها جعل کرده و «علوم» مختلفی آفریده‌اند. وضعیت‌های بغرنج خیالی را در نظر گرفته و می کوشند به صورتی ظاهراً «روشمند» برای آن راه حل پیدا کنند. آنگاه ایمان آورندگان در هزار توی پیچیده فقه و فتوا به



عجز انسانی خود پی برده و برای رستگاری به دامن آخوند می‌آویزند. هرچقدر منابع دینی مبهم و پیچیده‌تر، نان آخوندهم بیش‌تر در روغن است! هرچقدر وسواس‌های مؤمنانه مردمان بیش‌تر، دنیا به کام آخوند شیرین‌تر می‌شود!

۵. آخوند از ایجاد ترس هم غافل نیست. «مسئله» را طوری طرح می‌کند که مؤمن بیچاره نتواند حلش کند و آنگاه خود به صورت ناجی به یاری مؤمنان می‌آید. قصدم نتایج وخیم و دلهره‌آور ایمان‌های مذهبی و نقش آخوندها، از یکسو در مشتعل‌ساختن هرچه بیش‌تر دلهره‌ها و از سوی دیگر، در معرفی خود، به عنوان منجی و راهنما برای بیرون‌شدن از ظلمات آن دلهره‌ها است.

۶. دین، اعتقاد به آخرت، و ایمان به عالم غیب میدان‌گاهی فراهم می‌کند که آخوند در آن ظهور و به «تفقه» پرداخته و در «توضیح المسائل» خود راه‌ها و چاه‌های ورود و خروج به آسمان را پیش پای مؤمنان می‌گذارد. «آخوند» محصول بازار عرضه و تقاضا است و تنها با تغییرات آن است که تغییر می‌پذیرد. تا تقاضا برای حل المسائل وجود دارد، آخوند حل المسائل نویس هم «تقاضا» را درک و به آن پاسخ می‌دهد. تا ما خیال می‌کنیم که خدایمان نگران آن است که کدام پایمان را اول در مستراح می‌گذاریم، تا ما به تعطیل عقل و تعطیل تفقه شخصی ادامه داده و کار را بر عهده دیگری می‌گذاریم، این دیگری طبعاً سر رشته زندگی ما را در دست گرفته و می‌کشد تا هر جا که خاطر خواه اوست!

## پیشنهادها

### ■ پاسخ اجمالی:

۱. این سخن که «شغل یا حرفه آخوندی از پیچیده‌شدن مجموعه دین، احساس عجز پیروان عادی از درک آموزه‌های آن و نیاز آنان به معلم و راهنما سرچشمه می‌گیرد و اگر دین، ساده و خلاصه در چند جمله باشد به آخوند نیاز نمی‌افتد»، به این می‌ماند که کسی بگوید

علت وجودی پزشک، پیچیده‌شدن ساختگی بدن و عوارض بدنی، از لحاظ صحت و مرض است و اگر دانش پزشکی، ساده و خلاصه در چند جمله بود که «درست بخواب، درست برخیز، درست بنشین، درست بخور، درست بنوش، درست قضای حاجت کن» دیگر به پزشک حاجت نبود؛ اما پزشکان عمداً بدن و عوارض بدنی را گسترده و پیچیده کرده‌اند تا از این طریق نان بخورند!

۲. دین، در حقیقت، دفترچه راهنمای شناخت، تغذیه، آسیب‌شناسی و روش درمان روح و روان انسان بالحاظ سعادت ابدی است. روح و ویژگی‌های روحی انسان اگر از بدن و عوارض بدنی، پیچیده‌تر نباشد، که یقیناً هست، کم‌تر پیچیده نیست. پس دین، مقصر پیچیده‌بودن خود نیست، بلکه پیچیدگی روح است که دین را پیچیده کرده است! روحانیت از خود به دین چیزی نمی‌افزاید و هرگونه افزایش به دین بدعت، حرام و ممنوع است. منشأ دین خطابات قرآنی است که در آن به مؤمنان امر شده که علاوه بر اطاعت از خطابات قرآن، از پیامبر هم اطاعت کرده و بر اساس سنت او رفتار کنند. خلاصه کردن دین در چند گزاره کلی بدون توجه به مسائل مختلفی که انسانها در حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی خود بدان نیازمند هستند در کنار مسائل حاکمیتی و مناسبات میان کشورها و ... نشان از تلقی نادرست به دین و نگاه سکولار است. دین به عنوان برنامه اداره زندگی انسان در جامعیت خود نمی‌تواند به چند گزاره محدود شود و فروع و مسائل مختلف گستره زندگی انسان را مورد توجه قرار داده است.

۳. در این واقعیت که برخی از احکام و ریزه‌کاری‌های فقهی، ناشی از حس کنجکاوی یا وسواس برخی از فقیهان و مقلدان آنان است، تردیدی نیست. اساساً خود قرآن کریم مؤمنان را از پرسش‌های بی‌هوده، فاقد اهداف صحیح و وسواس‌گونه نهی، و تلویحاً اشاره کرده که این گونه پرسش‌ها احکام شرعی را برایتان

سخت خواهد کرد! داستان گاو بنی اسرائیل در سوره بقره آیات ۶۷ - ۷۲ نیز نمونه‌ای از نهی تربیتی قرآن از بهانه‌جویی‌ها و وسواس‌های فقهی است. در کلام پیامبر و امامان هدی علیهم السلام نیز به این نکته اشاره شده است.<sup>۳</sup> ولی این مطلب صحیح با سخن شبهه‌کننده درباره وسواس‌های مؤمنانه متفاوت است؛ زیرا شبهه‌کننده در واقع همه احکام دین، چه در قرآن و سنت و چه در کتاب‌های فقها را ساخته و پرداخته وسواس‌ها و کنجکاو‌های مؤمنان معرفی کرده است. روشن است که لازمه سخن او، بطلان اکثر قریب به تمام احکام دین و در حقیقت، بطلان اصل دین است!

۴. کنجکاو‌ی و به کار گرفتن فکر و اندیشه و سؤال از مسائل مختلف زمینه ساز رشد و گسترش علوم بوده است. در مورد مسائل دینی، مسائل و فروع فراوانی وجود دارد که افرادی که خود را پایبند به تعالیم دین و تربیت دینی می‌دانند، برای فهم وظیفه و مسئولیت خویش، نیازمند شناسایی وظیفه و مسئولیت خویش هستند که فقها با اجتهاد و مراجعه به اصول و مبانی دینی، احکام این فروع و مسائل را استنباط می‌کنند. ۵. کار فقیهان و دین‌شناسان، تفقه در دین است. تفقه در دین، فرمان خود قرآن کریم است. تفقه به معنای فهم عمیق و جامع دین است، نه فهم استحسانی دین! تفقه به این معنا است که فقیه دین‌شناس باید در هر مسأله نخست به متن قرآن و سنت پیامبر مراجعه کرده و اگر پاسخ صریح و روشنی یافت، به آن

۱. «یا ایها الذین امنوا لاتسئلوا عن اشیاء إن تبد لکم تسأکم و إن تسألوا عنها حین ینزل القرآن تبد لکم ...» (مائده: ۱۰۱).

۲. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ افترض علیکم الفرائض، فلا تضیعوها؛ و حدلکم حدوداً، فلا تعتدوها؛ و نهاکم عن اشیاء، فلا تنتهکوها؛ و سکت لکم عن اشیاء و لم یدعها نسیاناً، فلا تتکفوها» ترجمه: خداوند انجام کارهایی را بر شما واجب کرده، آن واجبات را تباه نکنید و حدودی را برای رفتارها تان قرار داده، از آن حدود تجاوز نکنید و از کارهایی بازتان داشته، حرمت آن را ندرید و آگاهانه و عامدانه از کارهای دیگری سکوت کرده، (پس با پرسش‌های بیهوده درباره آن) خودتان را به سختی نیافکنید!

استناد و عمل کند و اگر پاسخ صریحی نبود، به دلائل عام و مطلق مراجعه کرده و حکم مسأله را از عمومات و اطلاقات آیات و روایات استنباط کند و در مواردی هم به عقل فطری خود مراجعه کرده و حکم کلی شرع را بیابد.

۶. در دروان پیامبر زندگی‌ها بسیار بسیار ساده بود، و به همین سبب تفقه در دین هم بسیار ساده‌تر از امروزه بود. امروزه سیر تحولات شتابان علم، فن و سبک زندگی، تفقه در دین را بسیار دشوار کرده و چنین امری از عهده اکثریت مردم بیرون است؛ علاوه بر این اگر برای همه مردم هم ممکن باشد، سودمند نیست؛ چراکه موجب اختلال شدید در امور زندگی فردی و اجتماعی و بر زمین ماندن نیازهای فراوان جامعه است و چنین چیزی قطعاً دین را به ضد خود تبدیل خواهد کرد؛ چراکه دین، برای نظم بخشی، هد فمندی و معنادهی به زندگی انسان‌ها نازل شده و اگر تفقه در دین برای همه مردم واجب عینی تعیینی بود، موجب اختلال در نظم زندگی فردی و اجتماعی شده و آسایش، آرامش و رشد اجتماعی، معنوی و اخلاقی انسان‌ها از بین می‌رفت. تخصصی شدن امور زندگی، حکم عقل عملی فطری است و عقلاً همواره بر اساس این حکم عمل کرده‌اند!

۷. روش استنباط فقهی همان روش معمول، معهود و مشروع عقلایی در فهم متون است. مطالعه مسائل علم اصول فقه به خوبی نشان می‌دهد که مبانی، اصول و روش فهم، تفسیر و استنباط فقها از قرآن و سنت، همان روش هرمنوتیکی عقلاً در فهم دیگر متون، با کمی تفاوت است. بنابر این اتهام جعل روش به فقها ناشی از جهل یا غرض ورزی شبهه‌کننده است.

۸. اساساً چیزی به نام ترساندن و ایجاد دلهره در دانش فقه وجود ندارد. فقه، به معنای استنباط احکام کلی شرعی از منابع دین، صرفاً توصیف و مدلل‌سازی احکام شرعی کلی است. آری! کار متکلمان، یعنی کارشناسان عقائد اسلامی، توصیف و تبیین آثار دنیایی و اخروی اطاعت و پیامدهای دنیایی و آخرتی معصیت و نافرمانی

خدا است. این روش، همان روش انذار و بیم‌دهی است که در علم حقوق جزایی، علم روان‌شناسی (پیامدهای افکار و رفتارهای نابهنجار)، علوم تربیتی (پیامدهای روش‌های تربیتی غلط)، جامعه‌شناسی (پیامدهای ناکارآمدی نهادهای اجتماعی)، اقتصاد (پیامدهای راهبردها و راهکارهای غلط اقتصادی)، پزشکی (پیامدهای رفتارهای غلط در خوردن، نوشیدن، خوابیدن، ...) و غیره هم وجود دارد، یعنی هشدار به مردم درباره عواقب انتخاب‌های رفتاری نادرست! به این روش، ترساندن گفته نمی‌شود. ترساندن یعنی تهدید قطعی و قریب الوقوع فرد به آسیبی که از آن گریزی ندارد؛ اما هشدار افراد درباره آسیب‌های قریب الوقوعی که می‌توانند خود را از آن برهانند، «بیم‌دهی» نام دارد. قرآن کریم مهم‌ترین کار پیامبران و متفکهان در دین را «بیم‌دهی» و «بشارت‌دهی» معرفی کرده است: ای پیامبر! «ماتورا گواه (بر عملکرد امت) و بشارت دهند (به سعادت جاودان و زندگی حقیقی) و بیم‌دهنده (از دوزخ و هلاکت ابدی) فرستادیم!»<sup>۳</sup>

۹. تا خدا وجود دارد و تا انسان، روح و هستی بینهایت دارد و تا سعادت و شقاوت جاودان وجود دارد و تا عقل و حس انسان برای شناخت خوب و بدها کافی نیست و به وحی نیاز دارد و تا همه انسان‌ها نمی‌توانند مستقیماً دین خود را از کتاب و سنت استنباط کنند و تا خواهان فهم و عمل به دین‌اند، عالم دین و آخوند هم وجود خواهد داشت و تلاش برای بی‌اعتبار کردن روحانیان و زدودن اعتماد جامعه از آنان، «کوبیدن آب درهاون است»!

#### ■ منابع جهت مطالعه:

- دبیرخانه شورای عالی حوزه‌های علمیه، حوزه و روحانیت در نگاه رهبری، جلد اول و دوم، قم: مدرسه عالی دارالشفاء
- محمدرضا حکیمی، هویت روحانیت،

- امام خمینی، منشور روحانیت، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- محمد عالم زاده نوری، لباس روحانیت، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- علی صفائی حائری، معرفت دین، جامعه دینی، حکومت دینی، قم: انتشارات لیله القدر
- علی اصغر همتیان، محمد جعفر امامی، احمد فربهی، رسالت سازمان روحانیت، قم: فقاقت
- محمد علی اخلاقی، شکل گیری سازمان روحانیت شیعه، تهران: انتشارات شیعه شناسی.

### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

آشناسازی نسل جوان با علوم اسلامی و روش اجتهاد فقهی و کلامی، از طریق ساخت مستند، بروشور، ارائه کار عملی درس دینی و بینش اسلامی در دبیرستان‌ها؛ دعوت از استادان ماهر برای تبیین روش‌های فهم دین و توضیح کارویژه‌های روحانیان در مدارس؛ گنجاندن معرفی شغل روحانی در فهرست مشاغل کتاب کا و دانش؛ نگارش فیلمنامه‌های قوی و واقع‌بینانه از سبک زندگی و کارویژه‌های روحانیان و تاریخ روحانیت؛ معرفی کتاب‌های مفید درباره تاریخ روحانیت برای نسل جوان؛ نگارش فیلمنامه و ساخت فیلم‌های سینمایی، داستانی و سریالی درباره شخصیت‌های روحانی تأثیرگذار در تاریخ ایران؛ به‌ویژه دویست ساله اخیر؛ برگزاری اردوهای دانش‌آموزی و دانشجویی برای آشناسازی نسل جوان با مراکز حوزوی و استادان حوزه؛ ساخت مستند و نگارش بروشورها و موشن‌هایی درباره نقش تأثیرگذار رهبران روحانی نظام اسلامی در تحولات علمی و فنی کشور؛ تقویت علمی و مهارتی نهاد تبلیغ دینی در مدارس، به ویژه متوسطه اول و دوم؛ معرفی بنیادها و سازمان‌های خیریه فرهنگی، خدماتی و رفاهی که توسط روحانیان با هزینه‌های شخصی، کمک مردمی و وجوه شرعی ساخته شده است؛ ساخت مستند، کلیپ و عکس نوشت از خدمات

تبلیغی، رفاهی، عملی روحانیان در دوران کرونا، سیل‌ها، زلزله‌ها، ...؛ معرفی پیشرفت‌های علمی، تخصصی و مهارتی روحانیان در حوزه علوم دینی و انسانی، فناوری رایانه‌ای و زبان‌های خارجی، معرفی دستاوردهای علمی روحانیان، اعم از کتاب، مقاله، نرم‌افزار و ...

## بازدارندگی و گذشته‌گرایی روحانیت

موضوع عام: روحانیت

موضوع خاص: کارکردهای روحانیت

شبهه‌کننده: فیروز نجومی

منبع شبهه: سایت پژوهاک ایران

<http://www.pezhvakeiran.com>

هدف‌های احتمالی: تحقیر صنف روحانی،

تضعیف اعتماد جامعه به صنف روحانی،

معرفی روحانیان به عنوان مقصران مشکلات،

متهم ساختن روحانیان به ستیز با پیشرفت.

نمایه‌ها: روحانیت، گذشته، آینده، پیشرفت،

علوم دینی، علم تجربی.

شناسه شبهه

### متن شبهه

۱. دانش و بینش روحانیت برخاسته از کلام الله و تعبیر و تفسیر پیامبر و جانشینان او از آن کلام است. روحانیت مالیات دین را از باورمندان دریافت می‌کند به آن دلیل که برقرارکننده پلی است بین مردم و گذشته. روحانیت باور به گذشته و شکوه گذشته را تشویق و تبلیغ می‌کند نه تفکر درباره آینده!

۲. روحانیت به جای آنکه چشمها را به سوی آینده و جهانی که در حال و تغییر و تحول و پیشرفت است بگشاید، خود از بینایی واهمه داشته و مردم را به نایبایی می‌کشاند؛ چه، تنها در نایبایی است که انسان به "تسلیم" و "اطاعت" و "فرمانبری" خو می‌گیرد و توهمات دین و روحانیت را همچون حقایق چون و چراناپذیر می‌پندارد؛ در چنین شرایطی است که هم وجود دین لازم می‌شود و هم روحانیت.

۳. دین و روحانیت دست در دست هم، انسان را به بند شریعت کشیده و به حیوان تقلیل می‌دهند؛ چراکه با



تأکید بر احکام "تقلید" و "تبعیت" عقل و خرد انسان را به تعطیلی می‌کشانند و از او می‌خواهند که چشم بسته به بایدها و نبایدها، حلال‌ها و حرام‌ها تن دهد. دین و روحانیت تنها در شرایطی ضرورت می‌یابد که تاریکی و کوری تداوم یافته و انسان‌ها به اسارت خود در بند شریعت، رضایت دهند!

۴. روحانیت از آغاز چیزی جز یک نیروی "بازدارنده" در جامعه نبوده است؛ بازدارنده تغییر و دگرگونی، بازدارنده عقل و خرد و تفکر انتقادی، بازدارنده انواع هنرهای تجسمی و موسیقایی، بازدارنده نیروی خلاقیت و آفرینندگی، بازدارنده بدعت و نوآوری. در واقع، روحانیت نقش بازدارندگی جامعه را از هرگونه تغییر و دگرگونی، صدها سال است که بازی کرده است!

۵. روحانیت وجودش به باور به "دین" وابسته است و پیوسته روی بگذشته دارد. روحانیت در گذشته زندگی می‌کند و رویای بازگشت به آن را در سر می‌پروراند.

## پیشنهادها

### ■ پاسخ‌اجمالی:

۱. آینده، امتداد گذشته و فرزند آن است. آدمی هرآنچه را در گذشته بنیان نهاده، در آینده برداشت می‌کند. گذشته، مادر و چراغ راه آینده است. ارجاع به گذشته همواره نکوهیده نیست، بلکه در جازدن در گذشته و تکرار اشتباهات گذشته، نکوهیده است. علوم، فنون، هنرها، عادات و آداب نیک، در گذشته خلق شده و گسست میان گذشته و آینده موجب از بین رفتن ریشه‌های فرهنگ و تمدن انسانی است. انسان باید همواره با اتکا به گذشته و نگاه به آینده حرکت کند، تا اصالت گذشته و تحول آینده را با هم در اختیار گرفته و به رشد حقیقی دست یابد.

۲. انسان، دو بُعد ثابت و متغیر دارد. بُعد ثابت انسان، هویت اصلی و حقیقت هستی او و تغییرناپذیر است. معارف دینی، ارزش‌ها و آموزه‌های اخلاقی و معنوی،

متعلق به بُعد ثابت انسان بوده که با تحولات زمینه و زمانه، دگرگون نمی‌شود. بُعد متغیر، همان تجارب، شکل‌ها، قالب‌ها و ابزارهای مصنوع بشر برای رفع نیازهای روزمره است. این بعد همواره قابل تغییر، تحول، بهترشدن و البته بدترشدن است! روشن است که صرف تغییر و تحول، همواره مثبت و خواستنی نیست؛ تحول، زمانی ارزشمند است که متناسب و همگن با ثوابت وجودی و بهزیستی مادی و معنوی انسان باشد. بنابراین ارجاع به علوم و آگاهی‌های ثابت و دگرگون‌ناپذیر، امری ستوده است، نه نکوهیده؛ و نشانه عقلانیت و خردمندی است، نه نشانه خرافه‌پرستی و گذشته‌گرایی. آری! افکار، عقائد، نگرش‌ها، ارزش‌های ساختگی و عادات و آداب بی‌خاصیت و بیهوده، حتی اگر هزاران سال عمر داشته باشد، ارجی ندارد؛ لیکن سنت‌های عقلی، شهودی، معنوی، علمی و فرهنگی، بزرگ‌ترین ثروت‌های یک ملت است که باید حفظ و به آیندگان منتقل شود.

۳. روحانیت، تنها جریان اصیل و واقعی اجتماعی است که ریشه در اعماق تاریخ داشته و همواره حامل سنت و فرهنگ اسلامی - ایرانی بوده است. از این رو تعلق به گذشته، برای روحانیت، نه تنها مایه شرمندگی نیست، بلکه بزرگ‌ترین افتخار روحانیت است! روحانیت پل میان نسل امروز و سرمایه‌ها و ثروت‌های ملی در گذشته است. اکنون مهم‌ترین سرمایه‌های افتخارآمیز جامعه ایرانی، همان فرهنگ و سنت کهن ملی و دینی است که در دنیای فن‌زده، تشنه معنویت و تهی از اخلاق، بهترین نقطه عزیمت ملی و زمینه‌ساز بازآفرینی تمدن اسلامی - ایرانی در آینده است.

۴. اساس دین، تسلیم در برابر حق است و رجوع مؤمنان به فقیهان در فراگیری معارف و احکام دین، در واقع، تسلیم‌شدن در برابر احکام دین است نه تسلیم‌شدن در برابر روحانیت! روحانیان حاملان سنت دینی و اقامه‌کنندگان احکام و آموزه‌های دین‌اند و

از این رو شنیدن سخن و پیروی از نظرات آنان در امور دینی بر مبنای لزوم تبعیت از سخن متخصصان است. بر اساس حکم عقل عملی فطری، سخن متخصصان در امور تخصصی حجت و تبعیت از آن لازم است؛ همانگونه که مراجعه به پزشک و پذیرش نسخه او در درمان بیماری‌ها، به معنای تقلید کور از شخص پزشک و تسلیم و انقیاد در برابر شخص نیست، بلکه به معنای تبعیت عاقلانه از دانش پزشکی و تخصص پزشک است، مراجعه به فقیهان دین شناس در مسائل شرعی، لازم بوده و به معنای انقیاد و تبعیت کور و نابخردانه نیست، بلکه عین احترام به عقل و حکم عقل است.

۵. تاریخ روحانیت، تاریخی افتخارآمیز است. روحانیت بیش از ۱۳ قرن، حامل سنت و فرهنگ بومی اسلامی - ایرانی است و همواره مدافع ثروت‌ها و دارایی‌های معنوی ایرانیان بوده است. اگرچه مخالفت برخی از روحانیان با برخی از مظاهر تمدن و تکنولوژی در گذشته قابل انکار نیست، لیکن این امور بیش‌تر جنبه شخصی داشته و قابل تعمیم به همه روحانیان نیست. نزدیک به صد و پنجاه سال اخیر، روحانیان مهم‌ترین پیشگامان مقابله با استبداد، بیگانه‌پرستی، عقب‌ماندگی، غرب‌زدگی و خودباختگی در برابر فرهنگ غرب بوده‌اند. ملت ایران در دوران‌های شاهنشاهی آن قدر از قافله علم، فن و تمدن عقب افتاده بود، که توان ساخت یک آفتابه هم نداشته و در ریز و درشت نیازهای خود به کشورهای دیگر وابسته بود. همین ملت اکنون به برکت رهبری روحانیان آگاهی مانند امام خمینی و مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای و همت والای جوانان خود به ملتی پیشرو، تحول‌آفرین و الهام‌بخش در عرصه‌های معنوی، سیاسی، نظامی، علمی، فنی و پزشکی تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که اکنون بسیاری از نیازهای خود را در داخل کشور و با دست‌های توانمند دانشمندان و کارگران ایرانی برطرف کرده و تولیدکننده دقیق‌ترین و پیشرفته‌ترین دستگاه‌های صنعتی

در مهندسی هسته‌ای، مهندسی نظامی، مهندسی پزشکی، داروسازی، درمان بیماری‌ها، جراحی‌های نادر، پیوند اعضا، نانو تکنولوژی و ده‌ها شاخه علمی و فنی دیگر است. کشوری که در دوران ستم‌شاهی، دانشمندان انگشت‌شماری داشت، که عمدتاً در غرب تحصیل کرده و در همان‌جا زندگی می‌کردند، امروزه مهد دانش و پرورش دانشمندان در علوم و فنون مختلف است. همه این امور در سایه حمایت و هدایت روحانیان و میدان دادن به جوانان باهوش، با استعداد و تحول‌آفرین است. اگر روحانیان شیعه مانع تحول و پیشرفت بودند، این همه تحولات گونه‌گون از کجا و به چه شکلی پرورش یافته و بالیده شده و همچنان در حال رویش‌های تازه است؟!

#### ■ منابع جهت مطالعه:

- شورای عالی حوزه‌های علمیه، روحانیت از نگاه رهبری، دو جلد.
- محمد حسین راجی، صعود چهل ساله، انتشارات سعادت
- امام خمینی، صحیفه نور، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)

#### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

آشناسازی نسل جوان با علوم اسلامی و روش اجتهاد فقهی و کلامی، از طریق ساخت مستند، بروشور، ارائه کار عملی درس دینی و بینش اسلامی در دبیرستان‌ها؛ دعوت از استادان ماهر برای تبیین روش‌های فهم دین و توضیح کارویژه‌های روحانیان در مدارس؛ گنجاندن معرفی شغل روحانی در فهرست مشاغل کتاب کا و دانش؛ نگارش فیلمنامه‌های قوی و واقع‌بینانه از سبک زندگی و کارویژه‌های روحانیان و تاریخ روحانیت؛ معرفی کتاب‌های مفید درباره تاریخ روحانیت برای نسل جوان؛ نگارش فیلمنامه و ساخت فیلم‌های

سینمایی، داستانی و سریالی درباره شخصیت‌های روحانی تأثیرگذار در تاریخ ایران؛ به‌ویژه دویست ساله اخیر؛ برگزاری اردوهای دانش‌آموزی و دانشجویی برای آشناسازی نسل جوان با مراکز حوزوی و استادان حوزه؛ ساخت مستندها و نگارش بروشورها و موشن‌هایی درباره نقش تأثیرگذار رهبران روحانی نظام اسلامی در تحولات علمی و فنی کشور؛ تقویت علمی و مهارتی نهاد تبلیغ دینی در مدارس، به‌ویژه متوسطه اول و دوم؛ معرفی بنیادها و سازمان‌های خیریه فرهنگی، خدماتی و رفاهی که توسط روحانیان با هزینه‌های شخصی، کمک مردمی و وجوه شرعی ساخته شده است؛ ساخت مستند، کلیپ و عکس‌نوشت از خدمات تبلیغی، رفاهی، عملی روحانیان در دوران کرونا، سیل‌ها، زلزله‌ها، ...؛ معرفی پیشرفت‌های علمی، تخصصی و مهارتی روحانیان در حوزه علوم دینی و انسانی، فناوری رایانه‌ای و زبان‌های خارجی، معرفی دستاوردهای علمی روحانیان، اعم از کتاب، مقاله، نرم‌افزار و ...

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبها (حوزه‌های علمی)

pasokh.org | wikipasokh.com

pasokh.tv | pasokhmag.ir

shobhepajouhi.ir